

دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی

امیر حسین رنجبریان*
مهديه ملك‌الكتاب خيابانى**

چکیده

دادگاه ویژه سیرالئون به‌عنوان سومین نسل از دادگاه‌های کیفری در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد و در مقایسه با دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. این دادگاه برخلاف دادگاه‌های بین‌المللی سابق که به موجب تصمیم یک‌جانبه شورای امنیت برپا شده بودند، به درخواست دولت سیرالئون طبق موافقتنامه‌ای میان این دولت و سازمان ملل متحد دایر و در محل وقوع جنایات مستقر شده است. این دادگاه ویژه، دادگاهی دوگانه و ترکیبی از دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است که اساسنامه‌اش شامل مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق داخلی سیرالئون بوده، از نظر ساختاری در بردارنده ترکیبی از کارکنان ملی و بین‌المللی است. به موجب این اساسنامه، دادگاه صلاحیت محاکمه اشخاصی را دارد که از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ دارای بیش‌ترین مسئولیت به خاطر ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق سیرالئون در این کشور هستند. این اشخاص عبارتند از: رهبران جبهه متحد انقلابی، شورای انقلابی نیروهای نظامی و نیروهای دفاع غیرنظامی و البته چارلز تیلور، رئیس‌جمهور سابق لیبریا، و دادگاه به جنایات ارتكابی آن‌ها رسیدگی می‌کند.

واژگان کلیدی: دادگاه‌های مختلط، دادگاه ویژه سیرالئون، موافقتنامه صلح لومه، کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی، اعمال مجرمانه مشارکتی، کودکان سرباز، ازدواج اجباری

*. نویسنده مسئول، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی email:mahdiehmalek@yahoo.com

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، جامعه بین‌المللی در واکنش به وقوع جنایات بین‌المللی در جهان، به شیوه‌های گوناگون به مقابله پرداخته^۱ که نمونه بارز آن، تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در دو دهه اخیر است. از زمان کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ اندیشه تشکیل یک دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی به منظور تعقیب و مجازات جنایتکاران بین‌المللی مورد نظر بود، اما به دلیل بی‌میلی بسیاری از دولت‌ها به ایجاد یک دادگاه دائمی در سطح بین‌المللی که طبیعتاً بر منافع ملی‌شان تأثیر می‌گذاشت، این اندیشه مجال تحقق بیرونی نیافت.^۲ اما به تدریج زمینه تشکیل این گونه مراجع بین‌المللی فراهم شد. پس از برپایی دادگاه‌های بین‌المللی نورمبرگ و توکیو پس از جنگ جهانی دوم، که از آن‌ها به‌عنوان نسل اول دادگاه‌های کیفری یاد می‌شود، نسل دوم، یعنی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا متولد شدند.^۳ پس از آن سرانجام اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پس از سال‌ها تلاش مستمر کمیسیون حقوق بین‌الملل و مذاکرات فشرده دولت‌ها در ۱۹۹۸ به تصویب رسید و این دیوان از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد.

در دهه ۱۹۹۰ که ارکان سازمان ملل متحد به تشکیل این مراجع کیفری اقدام کردند، پیشرفتی فوق‌العاده مهم در حوزه حقوق بین‌الملل به وقوع پیوست؛ چرا که تا آن زمان، حتی طرح ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی به طور موردی نیز ناممکن تلقی می‌شد. در تلاش برای پاسخ به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا، اولین دادگاه‌های بین‌المللی کیفری خاص، با الگوبرداری از دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو تشکیل شدند. تأسیس این نهادهای کیفری، موجب امیدواری فراوان برای تقویت روزافزون حقوق بین‌الملل و حفظ شأن بشر شد.^۴ چندی نگذشت که این تحول، زمینه ساز ایجاد نوعی از دادگاه‌های کیفری شد که جنبه مختلط داشتند و به نسل سوم دادگاه‌های کیفری معروف شدند. با آغاز قرن بیست و یکم، کشورهای درگیر در جنگ‌های داخلی عزم خود را جزم کردند تا به منظور خاتمه بخشیدن به جنایاتی که با آثار و تبعات سوء خود صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته بودند، با مساعدت و همکاری سازمان ملل متحد، اقدام به برپایی سومین نسل از محاکم کیفری کنند. بر این اساس، امروزه در کنار دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، با دادگاه‌های ویژه‌ای مواجه هستیم که با عناوینی مانند دادگاه‌های «مختلط»، «دوگانه» و گاه

۱. ممتاز، جمشید، «تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، ص ۱۵۸ و ۱۶۰.

۲. See: John P. Cerone, "Dynamic Equilibrium: The Evolution of US Attitudes Toward International Criminal Court and Tribunals", *EJIL*, vol.18, No.2, 2007, p. 280.

۳. بیگزاده، ابراهیم، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸، سال ۱۳۷۵، ص ۱۴۶.

۴. Larry D. Johnson, "UN-based International Criminal Tribunals; How They Mix and Match", *Denver Journal of International Law and Policy*, (summer - fall 2008), p.1.

«دادگاه‌های بین‌المللی شده» شناخته می‌شوند.^۵ در واقع، از سال ۲۰۰۰ به بعد، پنج دادگاه مختلط از جمله شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج، دادگاه‌های کوزوو، هیأت‌های ویژه رسیدگی به جنایات فاحش در تیمور شرقی، دادگاه ویژه لبنان و دادگاه ویژه سیرالئون تأسیس شده‌اند که نمایانگر حرکت از الگوی دادگاه‌های نسل دوم به سوی شکل نوینی از دادگاه‌های کیفری با عناصر ملی و بین‌المللی به نظر می‌آیند.^۶ یکی از وجوه افتراق این دادگاه‌ها با موارد قبلی، مبنای حقوقی تأسیس آن‌ها است. زیرا دادگاه‌های ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا به موجب قطعنامه‌های فصل هفتم منشور ملل متحد و در قالب ارکان فرعی شورای امنیت ایجاد شدند، اما دادگاه‌های مختلط بر مبنای موافقتنامه‌های دوجانبه میان سازمان ملل متحد و دولتی که محل وقوع جنایات است، تشکیل شده‌اند.^۷

به طور خلاصه، قواعد حاکم بر دادگاه‌های مختلط، ترکیبی از قواعد حقوق ملی و بین‌المللی بوده، مشروعیت آن‌ها نیز از هر دو نظام حقوقی ریشه می‌گیرد. این امر حاصل تعامل میان ارکان ملل متحد از جمله شورای امنیت و یا مجمع عمومی با دولت ذیربط است. در نتیجه، هیأت قضات و قوانین حاکم بر فرایند رسیدگی به اتهامات، دارای ترکیب ملی و بین‌المللی است و عدالت نیز از طریق اجرای همزمان حقوق کیفری ملی و حقوق بین‌الملل کیفری تأمین می‌شود. اما فارغ از این شباهت کلی میان دادگاه‌های مختلط، نباید به تفاوت‌های آنان بی‌توجه بود؛^۸ چنان که برخی از این محاکم از جمله دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه ویژه لبنان و هیأت‌های ویژه رسیدگی به جنایات فاحش در تیمور شرقی با مداخله شورای امنیت و برخی دیگر از جمله شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج با تشریک مساعی مجمع عمومی سازمان ملل ایجاد شده‌اند. از منظری دیگر برخی از آن‌ها مانند شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج، دادگاه ویژه سیرالئون و

۵. کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۲۸. همچنین ر.ک:

Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *Internationalized Criminal Courts and Tribunals: Sierra Leone, East Timor, Kosovo and Cambodia*, Oxford University Press, Oxford, 2004, p. 15.

۶. Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *Designing Criminal Tribunals: Sovereignty and International Concerns in the Protection of Human Rights*, Ashgate, London, 2006, p. 29.

۷. در مواردی نیز شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ای در تأسیس یک دادگاه مختلط اثر گذاشته است. اما به هر حال، به دلیل اجرای مشترک قوانین ملی در کنار قواعد حقوق بین‌الملل و همکاری قضات ملی و بین‌المللی در جریان دادرسی، آن دادگاه به‌عنوان یک دادگاه مختلط شناخته می‌شود و مداخله شورای امنیت در تأسیس آن موجبی نیست تا در زمره دادگاه‌های نسل دوم قرار بگیرند. نیز ر.ک:

Yves Beigbeder, *International Justice Against Impunity, Progress and New Challenges*, Martinus Nijhoff Publishers, the Netherlands, 2005, p.127.

۸. فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸-۱۵۹. نیز:

Geert-Jan Alexander, Knoop, *Theory and Practice of International and Internationalized Criminal proceedings*, Kluwer Law International, the Netherlands, 2005, p.314.

دادگاه ویژه لبنان بر مبنای انعقاد معاهده‌ای میان سازمان ملل متحد و دولت محل وقوع جنایات، و دسته‌ای دیگر نیز مانند هیأت‌های ویژه رسیدگی به جنایات فاحش در تیمور شرقی و دادگاه‌های کوزوو به استناد قطعنامه‌های شورای امنیت ایجاد شده‌اند.^۹

تفاوت دیگر میان دادگاه‌های مختلط این است که برخی از آن‌ها مانند شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج، هیأت‌های ویژه رسیدگی به جنایات فاحش در تیمور شرقی و دادگاه‌های کوزوو با ادغام عناصر بین‌المللی در سیستم قضایی کشور مربوط به بررسی جنایات ارتكابی در آن کشور می‌پردازند و البته در برخی موارد نیز مانند شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج به دلیل حضور قضات ملی و جنبه‌های دیگر، عنصر ملی نسبت به جنبه بین‌المللی غالب به نظر می‌آید.^{۱۰} بررسی شباهت و تفاوت دادگاه‌های مختلط، چه به لحاظ ضرورت تأسیس و نحوه تشکیل، و چه از نظر نحوه دادرسی آن‌ها و مشکلاتی که در انجام وظایف خود دارند نیازمند بررسی تفصیلی هر یک از آن‌ها است.^{۱۱}

در این مقاله، به‌طور خاص به دلایل تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون، ساختار و صلاحیت این دادگاه می‌پردازیم (گفتار اول) و با نگاهی به محاکمات این دادگاه، دستاوردهایش را در رسیدگی به جنایات بین‌المللی بیان می‌کنیم (گفتار دوم).^{۱۲}

گفتار اول) تشکیل و صلاحیت دادگاه ویژه سیرالئون

هدف از تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون، خاتمه دادن به بی‌کیفرمانی و اجرای عدالت نسبت به متهمان، احقاق حقوق قربانیان، و آشتی ملی، همراه با بازسازی مجدد سیستم قضایی و اصلاح قوانین ملی این کشور است. در واقع این دادگاه با هدف قرار دادن مصونیت متهمان اصلی و پیگرد آن‌ها، سعی در خاتمه دادن به اهمال نسبت به جنایات ضد بشری دارد.^{۱۳} در راستای تحقق این هدف، برقراری صلح و آشتی ملی به نهادی دیگر یعنی کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی سپرده شده، بدون آن‌که اجرای عدالت و محاکمه متهمان در دادگاه ویژه، تحت تأثیر آن قرار بگیرد. در ضمن، دادگاه ویژه با مساعدت جامعه بین‌المللی تأسیس شده تا

9. Yves Beigbeder, *op. cit.*, pp.129, 131, 139.

۱۰. همچنین بعضی از محاکم مختلط مانند دادگاه‌های ویژه سیرالئون و لبنان، مستقل از سیستم قضایی کشور مربوط عمل می‌کنند و غلبه عناصر بین‌المللی نسبت به عناصر ملی در جریان دادرسی مشهود است که البته موجب بین‌المللی تلقی کردن دادگاه‌های مزبور نمی‌شود. ر.ک: آتونبو کاسسه، پیشین، ص ۴۲۸.

۱۱. برای مطالعه بیشتر، در میان دیگر منابع، ر.ک: مهدیه ملک‌الکتاب، «نقش دادگاه ویژه سیرالئون در مبارزه با بی‌کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

۱۲. علت انتخاب دادگاه ویژه سیرالئون این است که این دادگاه برخلاف دادگاه‌های هم‌عصر خود در به محاکمه کشاندن متهمین اصلی و صدور احکام قطعی علیه آن‌ها به توفیقات چشمگیری دست یافته، تا آن‌جا که جریان دادرسی‌ها رو به اتمام است و مهم‌تر آن‌که برای نخستین بار در مورد جنایات ازدواج اجباری و کودکان سرباز، رویه‌های بین‌المللی ایجاد کرده است.

13. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op. cit.*, pp.3,292.

با حضور و مشارکت قضات و اعمال مقررات بین‌المللی، علاوه بر بازسازی سیستم قضایی و ورود قوانین بین‌المللی در قوانین ملی، حقوقدانانی صاحب صلاحیت نیز برای این کشور تربیت شوند. به عقیده برخی نویسندگان، این دادگاه، هم‌راستا با دیگر مراجع مشابه در مسیر حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی گام برداشته و میراث ارزشمندی را برای دادگاه‌های مشابه در آینده و حتی دیوان بین‌المللی کیفری به جا خواهد گذاشت.^{۱۴} حال در این گفتار به بررسی فرایند تأسیس و صلاحیت این دادگاه می‌پردازیم.

۱. جنگ داخلی در سیرالئون

از زمان به استقلال رسیدن کشور افریقایی سیرالئون در سال ۱۹۶۱ تا وقوع جنگ داخلی در این کشور، دولت‌های فاسد متعددی روی کار آمدند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ گروه شورشیان موسوم به جبهه متحد انقلابی با سوءاستفاده از وضعیت نابسامان سیاسی و اقتصادی کشور سیرالئون، جنگی ده ساله را در این کشور آغاز کردند. در این مخاصمه داخلی، رئیس‌جمهور وقت کشور لیبریا، چارلز تئکنای تیلور، نیز به حمایت از فودای سانکوه رهبر شورشیان پرداخت. آن‌ها نیز با هدف براندازی دولت وقت و تصاحب معادن الماس کشور سیرالئون، اولین حمله خود را در ۲۳ مارس ۱۹۹۱ از کشور لیبریا آغاز کردند و از بدو ورود با تجاوز به زنان و کودکان و نیز سربازگیری اجباری کودکان، مرتکب جنایات بسیاری علیه غیر نظامیان شدند.^{۱۵}

دولت وقت سیرالئون در ۴ می ۱۹۹۲ به منظور مقابله با شورشیان، نیروهای شبه‌نظامی موسوم به نیروهای دفاع غیرنظامی، به رهبری ساموئل هیگانورمن را استخدام کرد که بعدها رهبر این نیروها با به قدرت رسیدن احمد تجان کاباه در فوریه ۱۹۹۶، به سمت وزیر کشور نتوانست به این جنگ پایان بدهد. با اوج گرفتن درگیری‌ها در نوامبر ۱۹۹۶، دولت کاباه حسب توافقنامه صلح آبیجان و با حضور نماینده ویژه سازمان ملل، با شورشیان صلح کرد،^{۱۶} اما این صلح به دلیل کودتای حزب شورای انقلابی نیروهای نظامی علیه دولت قانونی کاباه چندان پایدار نماند و در نتیجه، توافقنامه در می ۱۹۹۷ عقیم ماند. جانی پل کروما، به محض تشکیل دولت با شورشیان متحد شد که ثمره این اتحاد چیزی جز ارتکاب فجایع گسترده بشری از جمله شکنجه و تجاوز به زنان و کودکان و نیز بازداشت‌ها و اعدام‌های خودسرانه مخالفان و کشتار

14. Steven R. Ratner and Jason S. Abrams and James L. Bischoff, *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, Oxford University Press, Oxford, 2009. pp. 346-347. and Larry D. Johnson, *op. cit.*, p. 5.

15. Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *op. cit.*, p. 32. and Yves Beigbeder, *op. cit.*, p. 114.

16. Yves Beigbeder, *op. cit.*, pp. 114-115.; Peace Agreement Between the Government of the Republic of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone, Abidjan, 30, No. 7. 1996.

غیرنظامیان نبود.^{۱۷} با رو به وخامت گذاشتن وضعیت حقوق بشر در سیرالئون، شورای امنیت بنا به درخواست جامعه اقتصادی کشورهای افریقای غربی با صدور قطعنامه ۱۱۳۲ براساس فصل هفتم منشور در اکتبر ۱۹۹۷، اجازه مداخله و توسل به زور را به این سازمان منطقه‌ای اعطا کرد. سرانجام در فوریه ۱۹۹۸ نیروهای نظامی این سازمان معروف به اکوموگ به کمک نیروهای شبه‌نظامی توانستند احمد تجان کاباه را به قدرت بازگردانند.^{۱۸} در می ۱۹۹۹ بار دیگر طرفین به میز مذاکره بازگشتند و در ۷ ژوئیه همان سال با هدف ایجاد دولت آشتی ملی، موافقتنامه صلح لومه را که حامل بخش‌های مهم توافق صلح آبیجان بود با حضور نماینده ویژه دبیرکل و کشورهای مشترک‌المنافع و نیز جامعه اقتصادی کشورهای افریقای غربی امضا کردند. از نکات مهم مندرج در این موافقتنامه، اعطای عفو عمومی به تمام نیروهای شورشی و شرکای آنها و نیز تأسیس یک کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی ملی برای تسهیل فرایند صلح بود.^{۱۹} لکن این موافقتنامه نیز مدت زیادی دوام نیاورد.^{۲۰} با طولانی شدن جنگ تا سال ۲۰۰۲، طرفین در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ طی تشریفات رسمی آن را خاتمه یافته اعلام کردند و سپس دولت مرکزی، با حمایت سازمان ملل، اقدام به

17. Omer Yousif Elagab, "The Special Court for Sierra Leone: Some Constrains", *International Journal of Human Rights*, vol.8. No.3, 2004, p. 250; Yves Beigbeder, *op. cit.*, pp. 114, 250.; Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *op. cit.*, p. 33.

۱۸. در بجهت این درگیری‌ها، نیروهای شبه‌نظامی با حمایت دولت کاباه اقدام به تشکیل یک دادگاه نظامی کردند و مرتکب اعمال خشونت بار بسیاری از جمله شکنجه، محاکمه غیرقانونی و اعدام‌های خودسرانه علیه اسرای نیروهای شورای انقلابی نظامی و شورشیان و حامیانشان شدند.

۱۹. نماینده دبیرکل پس از امضای موافقتنامه صلح مذکور، حق شرطی را نسبت به عفو صادر شده، ضمیمه این موافقتنامه کرد که به موجب آن، مقررات عفو مزبور نسبت به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، ژنوسید و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه که تا آن تاریخ رخ داده‌اند، تسری نمی‌یابد. همچنین تأکید کرد که تنها دو طرف درگیر در جنگ اعضای موافقتنامه محسوب می‌شوند و سازمان ملل طرف موافقتنامه نیست. رجوع کنید به:

See: Lome Peace Agreement Between the Government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone (July7,1999), available at <http://www.sierra-leone.org/lome accord.html>.; and Jordan J. Paust, M.Charif Bassiouni, *International Criminal Law: Cases and Materials*, third ed., Carolina Academic Press, Durham, North Carolina, p. 493. also see: Yves Beigbeder, *op. cit.*, p. 115.

۲۰. شورای امنیت در راستای کمک به اجرای موافقتنامه مزبور، ضمن صدور قطعنامه ۱۲۷۰ در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۹، هیأت سازمان ملل در سیرالئون موسوم به یونامسیل (UNAMSIL) را تشکیل داد تا به اعاده صلح و امنیت و ارائه کمک‌های بشردوستانه همراه با نظارت بر اجرای حقوق بشر در سیرالئون بپردازد. افزون بر این، شورای امنیت به منظور کمک به دولت و خلع سلاح کردن شورشیان در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ طی قطعنامه ۱۳۳۴ حدود ۶۰۰۰ نیروی حافظ صلح را به منطقه اعزام کرد، اما نیروهای شورشی حاضر به کنار گذاشتن سلاح‌های خود نشدند و با گروگان گرفتن ۵۰۰ نفر از نیروهای مزبور موافقتنامه صلح را نقض کردند. ر.ک: احمدی، عباس، «نقش عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت از حقوق بشر»، *مجله پژوهش حقوقی و سیاست*، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۲۶-۳۲۹. نیز: And Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *op. cit.*, p.33-34.; Also see: Christine Gray, *International Law and the Use of Force*, first ed., Oxford University Press, Oxford, 2000, p. 2.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کرد که طی آن بار دیگر/احمد تجان کاباه پیروز شد.^{۲۱} لازم به ذکر است که تمامی طرفین درگیر در این مخاصمه به منظور نیل به پیروزی از ارتکاب هیچ‌گونه جنایتی علیه یکدیگر و حتی غیرنظامیان ابایی نداشتند، تا آن‌جا که نیروهای دولتی و شبه‌نظامی نیز همانند شورشیان و هم‌پیمانان آن‌ها به سربازگیری کودکان، تجاوز به زنان و کودکان و نیز شکنجه و کشتار غیرنظامیان و اسرا مبادرت ورزیدند.^{۲۲}

۲. کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی ملی در سیرالئون

به موجب ماده ۲۶ موافقتنامه صلح لومه مقرر شده که یک کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی جهت تسهیل فرایند صلح و آشتی ملی در سیرالئون تشکیل شود و به تحقیق و بررسی درباره حقایق جنگ و جنایات ارتكابی در آن دوره تاریخی پردازد.^{۲۳}

پس از امضای موافقتنامه لومه، پارلمان سیرالئون به منظور اجرایی شدن ماده مذکور، قانون کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی را در ۲۲ فوریه ۲۰۰۰ تصویب کرد. تأسیس این کمیسیون از چنان اهمیتی برخوردار بود که حتی با وجود شکست موافقتنامه صلح لومه، فعالیت خود را در ۵ اکتبر ۲۰۰۲ آغاز و اقدام به بررسی و ثبت تاریخی و بی‌طرفانه کلیه نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در این کشور کرد و در پایان نیز بر مبنای ماهیت و دامنه خشونت‌ها گزارش‌هایش را تهیه می‌کند.^{۲۴} هدف کمیسیون بررسی عفوهای اعطا شده، پایان دادن به خشونت‌ها و تأسیس محلی برای ثبت اعترافات و شهادت قربانیان و

۲۱. ضمناً شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۵۳۷ در ۳۰ مارس ۲۰۰۴ ضمن توافق با دولت مرکزی، بخشی از نیروهای خود را برای ممانعت از شعله‌ور شدن مجدد جنگ تا پایان سال ۲۰۰۵ در سیرالئون باقی گذاشت. در کنار نیروهای فوق، هیأت یونامسیل به نظارت بر اجرای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و موارد نقض آن‌ها پرداخته و همچنین در تحقیقات کیفری و ارجاع پرونده‌های متهمان به دادگاه ویژه سیرالئون به دولت کمک کرده است: ر.ک: عباس احمدی، پیشین، ص ۳۳۳-۳۳۴ و شایگان، فریده، «دادگاه ویژه سیرالئون»، *بولتن مرکز مطالعات عالی حقوق بین‌المللی (دانشگاه تهران)*، شماره سوم، سال سوم، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۱-۲۲ و نیز:

See: Adibeli Nduka-Agwu, "Doing Gender, After the War: Dealing with Gender Mainstreaming and Sexual Exploitation and Abuse in UN Peace Support Operations in Liberia and Sierra Leone", *Civil wars*, vol.11, No.2, June 2009, pp. 179-181.

۲۲. متأسفانه نیروهای حافظ صلح بین‌المللی به‌ویژه نیروهای اکوموگ در زمان مخاصمه با شورشیان بی‌مهابا به بمباران پایتخت و کشتن مردم بی‌دفاع پرداختند و حتی حین انجام مأموریت خود به بهانه حمایت از زنان و کودکان اقدام به سوءاستفاده از آن‌ها کردند. در نهایت این امر سبب شد تا در زمان طرح تأسیس دادگاه و تدوین اساسنامه آن، امکان محاکمه نیروهای خاطی پیش‌بینی شود. احمدی، عباس، پیشین، ص ۳۲۸.

23. Yves Beigbeder, *op.cit.*, p.18.; and Lome Peace Agreement, 7July1999, UNDoc.s/1999/777.12 July 1999 Article 26.

24. William A. Schabas, "The Relationship Between Truth Commission and International Courts: The Case of Sierra Leone", *Human Rights Quarterly*, vol. 25, No.4, November 2003, pp. 1040-1046.

جنایتکاران است تا از این طریق تصویری حقیقی و روشن از وقایع جنگ برای رسیدن به آشتی ملی و ترمیم زخم‌های جامعه سیرالئون فراهم آید. با آن که کمیسیون مزبور کار خود را به واسطه قانون مصوب پارلمان آغاز کرده، لکن به استناد ماده ۲۶ موافقتنامه لومه تأسیس شده و صلاحیت‌هایش نیز به موجب این موافقتنامه و قانون فوق تعیین می‌شود.^{۲۵} از این رو، نهاد دولتی محسوب نمی‌شود و مستقل از دولت سیرالئون عمل می‌کند.^{۲۶}

۳. چگونگی تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون

در ۱۲ ژوئن و ۹ آگوست سال ۲۰۰۰/ احمد تجان کاباه، رئیس جمهور وقت سیرالئون طی نامه‌هایی خطاب به دبیرکل و شورای امنیت سازمان ملل متحد،^{۲۷} درخواست تأسیس یک دادگاه بین‌المللی برای سیرالئون را مطرح کرد تا بدین وسیله شورشیان و شرکای‌شان به خاطر به راه انداختن جنگ داخلی در این کشور و ارتکاب جنایات متعدد علیه مردم و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد مورد محاکمه قرار گیرند.^{۲۸} بلافاصله پس از انتشار این نامه، شورای امنیت در ۱۴ آگوست ۲۰۰۰ ضمن ابراز نگرانی خود از ارتکاب

۵۲. طبق بند ۱ ماده ۶ قانون مذکور، صلاحیت زمانی کمیسیون با عنایت به مصونیت و عفو مندرج در موافقتنامه برای ناقضان حقوق بشردوستانه، از سال ۱۹۹۱ تا تاریخ امضای موافقتنامه لومه یعنی ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ است. افزون بر این، صلاحیت کمیسیون محدود به خاک کشور سیرالئون نیست و به موجب شق «الف» بند ۲ ماده ۶ قانون فوق، می‌تواند با کسب مجوز از دولت‌هایی که به نحوی در جنگ داخلی سیرالئون درگیر شدند، به بررسی عناصر داخلی و خارجی جنایات و جمع‌آوری اطلاعات از شهود و قربانیان و حتی مقامات بلندپایه دولتی سیرالئون و خارجی در خاک آن کشورها بپردازد. به طور مثال این وضعیت می‌تواند نسبت به اتباع سیرالئونی که در اردوگاه‌های پناهندگان سازمان ملل متحد در کشور گینه مورد حمله شورشیان قرار گرفتند و یا نیروهای شورشی که در کشور لیبیا حضور فعالی داشتند، صورت پذیرد. افزون بر این‌ها، اتباع و مقامات بلندپایه این کشورها نیز تحت صلاحیت کمیسیون قرار دارند. ضمناً براساس ماده ۷ قانون کمیسیون، تعقیب و محاکمه قانونی متهمان در صلاحیت این نهاد نیست، به همین خاطر نیز کمیسیون مزبور بارها این نکته را متذکر شده است که هم قربانیان و هم متهمان می‌توانند بدون واهمه و ترس از افشای اعتراف‌ها و شهادت‌های‌شان با کمیسیون همکاری کنند، چرا که به موجب قانون فوق، کمیسیون ملزم به ارائه اسناد و اطلاعات خود به هیچ نهاد یا سازمانی نیست و فقط به تعیین میزان، علت و شناسایی مسئولیت اشخاص در ارتکاب جنایات مبادرت می‌ورزد. کمیسیون نیز در عمل، توجه خود را بیش‌تر بر مسائل زنان و کودکان از جمله کودکان سرباز متمرکز کرده است تا به نحوی با رفع مشکلات آن‌ها زمینه بازگشتشان را به جامعه فراهم سازد.

See: William A. Schabas, *op.cit.*, pp.1040-1047.

26. *Ibid.*, p. 1036.; Yves Beigbeder, *op. cit.*, p. 128.; Omer Yousif Elagab, *op.cit.*, p. 257.

۷۲. وی در نامه خود به شورای امنیت، با اشاره به عفو مندرج در موافقتنامه صلح لومه، هدف از اعطای این عفو را توقف درگیری‌ها خواند و نقض این موافقتنامه توسط شورشیان را دلیل اصلی استمدادطلبی این کشور از سازمان ملل متحد اعلام کرد. وی در ادامه یادآور شد که تخریب سیستم قضایی و خلأ موجود در قوانین داخلی سیرالئون، محاکمه جنایتکاران را در دادگاه‌های ملی این کشور غیرممکن ساخته و به همین خاطر نیز خواهان تأسیس دادگاهی بین‌المللی مشابه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا است تا با محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه، بار دیگر صلح و امنیت به سیرالئون و منطقه بازگردد. رک:

Letter dated 9 August 2000 from Permanent Representative of Sierra Leone to United Nation addressed to the President of the Security Council; UN Doc. S/2000/768, annex.

28. Geert-Jan Alexander Knoops, *op. cit.*, p. 331; Yves Beigbeder, *op. cit.*, p.116.

جنایات علیه مردم سیرالئون و کارکنان ملل متحد، شرایط سیرالئون را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه خواند و قطعنامه ۱۳۱۵ را بدون ارجاع صریح به فصل هفتم منشور ملل متحد صادر کرد. این رکن ضمن تأیید درخواست دولت سیرالئون و با اشاره به مواضع نماینده دبیرکل نسبت به عفو جنایات بین‌المللی در زمان امضای موافقتنامه لومه، بر ایجاد یک سیستم «عدالت محور» برای محاکمه جنایتکاران و پایان دادن به بی‌کیفرمانی به منظور احیای صلح و آشتی ملی تأکید کرد. با این حال، شورا با پیشنهاد تأسیس یک دادگاه بین‌المللی دیگر مخالفت و در مقابل، پیشنهاد تأسیس یک دادگاه ویژه را در قالب یک دادگاه مختلط مطرح کرد و متعاقباً از دبیرکل خواست تا با دولت سیرالئون درباره انعقاد موافقتنامه تأسیس یک دادگاه مستقل مذاکره کند و به منظور تعقیب اشخاصی که دارای بیش‌ترین مسئولیت برای ارتکاب جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه و حقوق داخلی سیرالئون هستند، به تعیین صلاحیت دادگاه مزبور مبادرت ورزند.^{۲۹} نتیجه این مذاکرات، تدوین پیش‌نویس موافقتنامه تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون به انضمام اساسنامه آن بود که نهایتاً دبیرکل در ۴ اکتبر سال ۲۰۰۰ هر دو سند را به همراه گزارش خود به شورای امنیت تقدیم کرد.^{۳۰} متن نهایی موافقتنامه و اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، پس از اعمال تغییرات و اصلاحات جزئی، در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ به تأیید سازمان ملل و دولت سیرالئون رسید. پارلمان سیرالئون نیز در ۷ مارس ۲۰۰۲ قانونی را در راستای اجرایی شدن هر دو سند در کشور به تصویب رساند. سرانجام به موجب ماده ۲۱ موافقتنامه، یک روز پس از تبادل اسناد قانونی تصویب میان طرفین، موافقتنامه و اساسنامه دادگاه پس از ابلاغ دبیرکل، در ۱۲ آوریل ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد.^{۳۱}

۲۹. شورای امنیت علی‌رغم درخواست دبیرکل و دولت سیرالئون حاضر به صدور قطعنامه بر مبنای فصل هفتم منشور و تأسیس دادگاهی بر این مبنا نشد، چراکه این رکن تمایلی به مواجه شدن با مشکلات مشابه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا از جمله تدارک تأسیس آن‌ها و صرف زمان و انرژی بیش از حد و تحلیل منابع سازمان ملل برای ایجاد و شروع به کار آن‌ها نداشت. به همین خاطر شورا تا مدت‌ها دچار عارضه رخوت در دیوان‌سازی شد، تا آن‌که به‌ناچار برای مواجه با گسترش بی‌کیفرمانی ناشی از مخاصمات مسلحانه داخلی، در ایجاد دادگاه‌های مختلط خاص، به تشریک مساعی با دولت‌های درگیر در جنگ پرداخت. ر.ک: کاسسه، آنتونیو، پیشین، ص ۴۲۴. ر.ک:

UN Doc.S/Res/1315 (2000) para 7. available at <http://www.un.org>. and Geert-Jan Alexander Kooops, *op.cit.*, pp.331-332.; Yves Beigbeder, *op. cit.*, pp.116-117.

۳۰. دبیرکل در این گزارش ضمن اشاره به موافقت دولت سیرالئون نسبت به موقعیت و نقش سازمان ملل در جریان دادرسی‌ها (یعنی مشارکت در تدوین اساسنامه و تعیین قضات)، به تأیید موضع نماینده ویژه خود در زمان امضای موافقتنامه صلح لومه نسبت به عدم تسری عفو به جنایات بین‌المللی پرداخت و یادآور شد که طبق توافق طرفین در زمان تدوین اساسنامه دادگاه و مواد ۲ تا ۴ این سند، به هیچ وجه عفو مذکور در این موافقتنامه مانع از تعقیب جنایتکاران بین‌المللی نمی‌شود. ر.ک:

See: Report of the Secretary-General on the Establishment of Special Court for Sierra Leone (SCSL); UN Doc. S/2000/915, 4. Oct 2000, Annex Agreement Between the United Nations and the Government of Sierra Leone on Establishment of SCSL, Statute of the SCSL.

۱۳. لازم به یادآوری است که به موجب ماده ۱۴ عهدنامه وین ۱۹۸۶ حقوق معاهدات میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، یک سند، زمانی لازم‌الاجرا می‌شود که مراحل قانونی تصویب توسط مقامات صلاحیتدار طرفین طی شود. لذا به نظر می‌رسد که اگر این اسناد به

۴. مبنا و ساختار حقوقی دادگاه ویژه سیرالئون

تأسیس این دادگاه، به خودی خود نوآوری مهمی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که پیش از این سابقه نداشته است، زیرا به استناد عهدنامه وین ۱۹۸۶ حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دارای مبنای معاهداتی است. البته دیوان بین‌المللی کیفری نیز براساس معاهده ایجاد شده، اما با این تفاوت که براساس معاهده‌ای چندجانبه دایر گردیده و حاصل توافق جمعی جامعه بین‌المللی در پی برگزاری کنفرانسی بین‌المللی است. بنابراین، نحوه تشکیل هر یک از این دو دادگاه کیفری بسیار متفاوت است. درخصوص مبنای حقوقی تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون باید به این نکته توجه داشت که هرچند شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۱۵ نقش مهمی در ایجاد این دادگاه داشته، اما قطعنامه مزبور براساس فصل هفتم منشور صادر نشده است. در این مورد شورا فقط به‌عنوان یکی از ارکان سازمان ملل به ارائه طرح تأسیس یک دادگاه مختلط بر مبنای معاهده‌ای دوجانبه میان سازمان ملل و دولت مذکور و نظارت بر جریان مذاکرات میان طرفین در فرایند ایجاد دادگاه اقدام کرد. دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت با اشاره به نقش و جایگاه سازمان ملل در جریان دادرسی‌ها، به تشریح مبنا و ساختار حقوقی این دادگاه و نیز تفاوت آن با دادگاه‌های سابق بین‌المللی پرداخت و ابراز داشت که: «این دادگاه با ترکیب ویژه و مبتنی بر معاهده خود، بر مبنای صلاحیت مختلط ملی و بین‌المللی تأسیس شده و در نتیجه ملزم به تبعیت از قوانین و سیستم قضایی سیرالئون نیست».^{۳۲} به واقع از موضع‌گیری‌های شورای امنیت، دبیرکل و خود دادگاه ویژه چنین برمی‌آید که این دادگاه یک نهاد منحصر به فرد و یک رکن قضایی تأسیس شده مبتنی بر معاهده است که برای نخستین بار در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ براساس معاهده‌ای میان سازمان ملل و یکی از اعضای آن تأسیس شده و الگوی مناسبی برای سایر دادگاه‌های مختلط هم‌عصر خود محسوب می‌شود.^{۳۳} شورای امنیت حسب

تصویب پارلمان سیرالئون نمی‌رسید، شورای امنیت چاره‌ای جز استناد به فصل هفتم منشور و صدور قطعنامه برای تأسیس دادگاه نداشت. ر.ک:

Geert-Jan Alexander Knoops, *op.cit.*, p.333.; and William A. Schabas, *The UN International Criminal Courts: The Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge University Press, Cambridge, 2006, pp.38-39.

32. Report of the Secretary-General on the Establishment of a Special Court for Sierra Leone; UN Doc. S/2000/915 (4 October 2000), Para. 9.

33. Jordan J. Paust, M. Cherif Bassiouni, *op.cit.*, p. 491.

شعبه تجدیدنظر در ۱۳ مارس ۲۰۰۴ ضمن حمایت از قانونی بودن دادگاه اظهار داشت که «دادگاه ویژه با ترکیب ویژه و مبتنی بر معاهده، دارای صلاحیت قضایی مختلط است و با وجود پذیرش از سوی قوانین ملی سیرالئون، مستقل از سیستم قضایی این کشور عمل می‌کند. در نتیجه یک دادگاه بین‌المللی است که صلاحیت خود را در محیطی بین‌المللی و نه در سیستم قضایی سیرالئون اعمال می‌کند. لذا تأسیس این دادگاه یک صلاحیت حاکمیتی انتقالی برای دولت محسوب نمی‌شود و کلیه اقتدارات و اختیارات در انحصار دادگاه است». ر.ک:

See: Gbao (SCSL-04-15-AR72 (E)), Decision on the Invalidity of the Agreement Between the United Nations and the Government of Sierra Leone on the Establishment of the Special Court, 25 May 2004, Para.6.

ماده ۸ موافقتنامه تأسیس دادگاه برای کنترل امور غیرقضایی آن، کمیته مدیریت دادگاه را برپا کرد. این کمیته مرکب از نمایندگان شش کشور بیطرف در کنار نماینده دولت سیرالئون و دبیرکل است که جنبه‌های غیرقضایی دادگاه، به‌ویژه بودجه‌بندی و امور مالی را کنترل می‌کند.^{۳۴}

ساختار حقوقی منحصر به فرد این دادگاه نیز در بردارنده ترکیبی از خصیصه‌های ملی و بین‌المللی است. در زمان تدوین اساسنامه دادگاه، دو طرف با استفاده از تجارب مثبت سازمان ملل متحد از دو دادگاه سابق بین‌المللی، به‌ویژه دادگاه رواندا، اقدام به الگوبرداری از ساختار حقوقی آن‌ها کردند، با این تفاوت که در دادگاه ویژه سیرالئون قضات و کارکنان ملی در کنار عناصر بین‌المللی در تعقیب و محاکمه متهمان، شرکت مستقیم و فعال دارند.^{۳۵} به موجب مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اساسنامه، این دادگاه دارای چند شعبه بدوی و تجدید نظر، رکن دادستانی و دبیرخانه است که در شعب بدوی دو قاضی بین‌المللی و یک قاضی ملی و در شعبه تجدیدنظر سه قاضی بین‌المللی و دو قاضی ملی حضور دارند و همگی برای یک دوره سه ساله با حق انتخاب مجدد توسط دبیرکل و دولت سیرالئون منصوب می‌شوند.^{۳۶} طبق ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان دادگاه و کارکنان وی به‌عنوان کارکنان ملل متحد توسط دبیرکل و قائم مقام دادستانی نیز توسط دولت سیرالئون به مدت سه سال در این سمت منصوب می‌شوند. در ضمن مقام دادستانی رکنی مستقل از دادگاه است که به تحقیق درباره جرم و تعقیب متهمان مبادرت می‌ورزد. براساس ماده ۱۴، رسیدگی به پرونده‌ها بر مبنای آیین دادرسی و ادله دادگاه رواندا صورت می‌پذیرد. ضمناً مقر دادگاه به موجب موافقتنامه تأسیس دادگاه، پایتخت کشور سیرالئون یعنی شهر فری تاون است که در صورت لزوم امکان انتقال آن به کشوری دیگر وجود دارد.^{۳۷} همه این تعابیر حاکی است که دادگاه ویژه، به‌عنوان دادگاهی دوگانه تحت مدیریت یک

شعبه تجدیدنظر در رأی دیگری با ذکر تفاوت میان این دادگاه با سایر دادگاه‌های بین‌المللی اظهار داشت که «شورای امنیت با توجه به اختیاراتی که به موجب منشور ملل متحد دارد، به منظور لازم‌الاجرا کردن موافقتنامه، در جریان ایجاد دادگاه ویژه مداخله کرده است؛ زیرا تأسیس این دادگاه با استنتاج از منشور ملل متحد، در راستای اهداف کلی سازمان ملل است. از این رو طبق ماده ۱ منشور که حامل اصول و اهداف سازمان ملل است و مواد ۳۹ و ۴۱ که به اختیارات شورا اشاره دارند، این رکن از صلاحیت نظارت بر تأسیس دادگاه برخوردار است.»
ر.ک:

See: Taylor (SCSL-03-01-I), Decision on Immunity from Jurisdiction, 21 May 2004, Para. 37., available at <http://www.sc-sl.org>; and William Schabas, *The UN International Criminal Tribunals*, op.cit., pp. 55-56.

۴۳. شایگان، فریده، پیشین، ص ۲۵. نیز ر.ک:

William Schabas, *The UN International Criminal Tribunals*, op.cit., p. 155.

35. William Schabas, op. cit, p.34.; Yves Beigbeder, op. cit, p.128.

۴۳. البته این قضات به دعوت دبیرکل از میان نامزدهای دولت‌های داوطلب، به‌ویژه دول عضو جامعه اقتصادی افریقای غربی و کشورهای مشترک‌المنافع غربی معرفی و پس از مشورت دبیرکل با دولت سیرالئون به این سمت منصوب شدند. ر.ک: فضالی، مصطفی، پیشین، ص، ۲۱۹ و ۲۲۲.

37. Headquarters Agreement, Between the Republic of Sierra Leone and the Special Court for Sierra Leone, 21 October 2003.

❖ ۱۳۳ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

سیستم مختلط قرار گرفته و مبنا و ساختار استثنایی آن، به ویژه نقش آفرینی بیش تر عناصر بین المللی نسبت به عناصر ملی، ادغام جنبه های مختلف الگوهای عدالت کیفری را به نمایش گذاشته است.^{۳۸}

۵. صلاحیت های قضایی دادگاه ویژه سیرالئون

طبق موافقتنامه تأسیس دادگاه، رسیدگی به جنایات ارتكابی در سیرالئون براساس حقوق بین الملل و حقوق ملی این کشور صورت می پذیرد. در این حالت، دادگاه با تلفیق قوانین ملی و بین المللی به شیوه ای خاص و متمایز نسبت به دیگر دادگاه های بین المللی سابق به اعمال صلاحیت بر جنایات می پردازد.

۱- ۵. صلاحیت زمانی: در زمان تدوین اساسنامه دادگاه، سه تاریخ مشخص برای شروع به کار آن مطرح شد. الف) ۲۳ مارس ۱۹۹۱ یعنی تاریخ شروع جنگ؛ ب) ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ یعنی تاریخ انعقاد موافقتنامه صلح آبیجان؛ ج) ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ یعنی تاریخ انعقاد موافقتنامه صلح لومه.

دو طرف پس از انجام مذاکراتی طولانی ذیل ماده ۱ اساسنامه، بر سر تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ به توافق رسیدند و بدون هرگونه توجیه حقوقی دوران ۵ سال نخست جنگ را به فراموشی سپردند.^{۳۹} سه دلیل اصلی برای انتخاب این تاریخ وجود دارد. اول آن که دادرسی باید از نظر زمانی محدود شود تا از اعطای مسئولیت بیش از حد به دادگاه و دادستان ممانعت به عمل آید. دوم آن که تاریخ شروع صلاحیت دادگاه باید براساس یک رویداد یا مرحله جدید درگیری و نه تنها به دلایل سیاسی انتخاب شود و سوم این که دادگاه باید رسیدگی به شدیدترین جنایات صورت گرفته توسط تمامی گروه های سیاسی و نظامی سراسر کشور را تحت صلاحیت خود قرار دهد. علاوه بر این، تاریخ مذکور نمایانگر اولین توافق میان دولت و شورشیان برای پایان دادن به مناقشه و جنگ است که نهایتاً توسط شورشیان نقض شد.^{۴۰}

با تمام این اوصاف، انتخاب این تاریخ اعتراضات بسیاری را در پی داشت، زیرا به بهانه عدم تحمیل مسئولیت بیش تر به دادستان و دادگاه و نیز عدم تمایل شورای امنیت به ایجاد یک دادگاه با عمر طولانی و بار مالی زیاد از تعداد کثیری از جنایات چشم پوشی شد.^{۴۱} افزودن بر این، برخی از مخالفان تأسیس دادگاه از جمله متهمان نیز نسبت به تاریخ مذکور متعرض شدند و خواهان تسری صلاحیت زمانی دادگاه به بعد از امضای موافقتنامه لومه یعنی ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ گردیدند، تا بدین طریق با توسل به عفو مندرج در این موافقتنامه، از کیفر اعمال خود بگریزند. دبیرکل در پاسخ اظهار داشت که برخلاف موافقتنامه صلح آبیجان،

38. Jordan J. Paust, M. Cherif Bassiouni, *op. cit.*, p. 492; Steven D. Roper and Lilian A. Barria, *op. cit.*, p. 39.

39. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K. Kleffner, *op. cit.*, p. 29. and Omer Yousif Elagab, *op. cit.*, p. 268.

40. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K. Kleffner, *op. cit.*, pp. 28, 130-131.

۱۴. شایگان، فریده، پیشین، ص ۳۱-۳۲ و نیز:

Also See: Omer Yousif Elagab, *op. cit.*, p. 268.

نماینده ویژه دبیرکل در زمان انعقاد موافقتنامه لومه امضای خود را مشروط به حق شرطی کرد که بر طبق آن، عفو نسبت به جنایات بین‌المللی مذکور در مواد ۲ تا ۴ اساسنامه قابل اعمال نیست و فقط شامل جنایات داخلی مندرج در ماده ۵ اساسنامه می‌شود.^{۴۲} خاتمه صلاحیت زمانی دادگاه به صورت باز و نامحدود پیش‌بینی نشده است، زیرا نمی‌توان گفت که جنگ به‌طور کامل تمام شده و هر آن احتمال شروع آن وجود دارد. بنابراین، طول و زمان حیات دادگاه بستگی به نظر دولت و سازمان ملل دارد که باید در موافقتنامه دیگری تعیین شود.^{۴۳}

۲-۵. صلاحیت سرزمینی: در این خصوص ماده ۱ اساسنامه دادگاه، به نقض‌های ارتكابی در سرزمین سیرالئون اشاره می‌کند. به‌علاوه قضات دادگاه دارای صلاحیت رسیدگی به جنایاتی که خارج از سیرالئون رخ داده و آثار مهمی بر این کشور داشته‌اند، نیز هستند. در بند ۱ ماده ۶ اساسنامه آمده: «هر شخصی که مرتکب طراحی، تحریک، صدور دستور یا مباشرت شده یا به شکل دیگری در طراحی، فراهم ساختن مقدمات یا اجرای جنایات مورد نظر، معاونت نموده باشد، شخصاً مسئول جنایات ارتكابی خود خواهد بود». دسته‌ای از این اعمال در خارج از سیرالئون علیه این کشور رخ داده که در این صورت دادستان و کلای مدافع با کسب مجوز از کشور مربوط، مجاز به جمع‌آوری ادله در آن کشور هستند. با این حال اگر دادگاه از پشتوانه قطعنامه فصل هفتم شورای امنیت برخوردار بود، کلیه کشورها ملزم به همکاری و تبعیت از احکام دادگاه بودند.^{۴۴} در کلیت امر، صلاحیت دادگاه محدود به سرزمین سیرالئون نیست و می‌تواند شامل سایر کشورها نیز بشود.

۳-۵. صلاحیت ذاتی: بنا بر توصیه‌های شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۱۵، صلاحیت ذاتی دادگاه با توجه به حقوق بین‌الملل و حقوق سیرالئون در قالب مواد ۲ تا ۵ تعیین شد و لذا جنایاتی که در صلاحیت دادگاه قرار دارد به شرح زیر است:^{۴۵}

^{۴۲} شاید ادعای دبیرکل توجیه‌پذیر باشد؛ ولی در مورد عدم تسری صلاحیت زمانی دادگاه از سال ۱۹۹۱ به علت عدم تحمیل مسئولیت سنگین به دادگاه قابل پذیرش نیست، زیرا این معضل می‌توانست با جلب حمایت‌های متعدد شورای امنیت با دادگاه حل شود تا حداقل کسانی که دارای بیش‌ترین مسئولیت در ارتكاب جنایات در ۵ سال اول جنگ بودند، محاکمه شوند.

^{۴۳} برای مطالعه بیش‌تر در این خصوص ر.ک: تقدسی، محمد، «دادگاه کیفری سیرالئون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۹-۴۰.

^{۴۴} برای مثال می‌توان به جنایاتی که در اردوگاه‌های پناهندگان سیرالئون در کشور گینه توسط شورشیان رخ داده و یا اقداماتی که در خاک کشور لیبیا با حمایت و زیر نظر رئیس‌جمهور آن کشور (چارلز تیلور)، علیه کشور سیرالئون صورت گرفته است، اشاره کرد.

William A. Schabas, "The Relationship Between Truth Commission and International Courts: The Case of Sierra Leone", *op.cit.*, pp. 1042-1043.

^{۴۵} فهرست مذکور از اساسنامه‌های دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اخذ شده که آن‌ها هم از ماده ۶ منشور نورمبرگ الهام گرفته بودند. علاوه بر این از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم نیز الگوبرداری کردند.

الف) جنایات علیه بشریت (ماده ۲): در تعریف این جنایت، از اساسنامه دادگاه رواندا پیروی شده است، زیرا قابلیت تعمیم به مخاصمات مسلحانه داخلی را نیز دارد. ضمناً مصادیق احصا شده در این تعریف دربرگیرنده حمله گسترده یا برنامه‌ریزی شده علیه تمام جمعیت‌های غیرنظامی به هر دلیل است و تعریف بردگی و همه اشکال آن نیز به‌عنوان جنایت علیه بشریت در نظر گرفته شده است.^{۴۶}

ب) جنایات جنگی: مواد ۳ و ۴ اساسنامه به این جنایات می‌پردازند.

بند ۱. نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی دوم (ماده ۳):^{۴۷} نویسندگان اساسنامه با انتخاب ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم سعی داشتند ماهیت مخاصمه در سیرالتون را مشخص کنند که منجر به محدود کردن صلاحیت دادگاه ویژه نسبت به جنایات جنگی مقرر در حقوق مخاصمات داخلی شد و در نهایت مصونیت برخی از مجرمین جنگی که جنایات ارتكابی توسط آن‌ها در زمره مخاصمات بین‌المللی بود را به دنبال داشت.^{۴۸}

بند ۲- نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی (ماده ۴): این ماده به نقض‌هایی اشاره دارد که همگی مستلزم وجود یک درگیری مسلحانه هستند. بند «ج» ماده ۴ به‌کارگیری کودکان زیر پانزده سال به‌عنوان سرباز را منع می‌کند. پیش از این نیز اسناد بین‌المللی متعددی از جمله کنوانسیون حقوق کودک ذیل بند ۳ ماده ۳۸، پروتکل الحاقی اول و پروتکل الحاقی دوم ذیل بند ۳ ماده ۴ و نیز اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری استفاده از کودکان زیر پانزده سال را چه به صورت داوطلبانه و چه به شکل اجباری خلاف حقوق بشردوستانه بین‌المللی عنوان کرده و آن‌ها را در زمره جنایات جنگی گنجانده‌اند.^{۴۹}

46. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op. cit.*, p. 299.

47. سازمان عفو بین‌الملل پس از تدوین اساسنامه به این نکته اشاره کرد که ماده ۳ اساسنامه صریحاً دربرگیرنده مقرره‌ای از پروتکل الحاقی دوم نیست، یعنی برده‌داری و اشکال آن را قید نکرده؛ چرا که اکثر اشخاص از جمله کودکان به بردگی گرفته شدند. هرچند که عنوان ماده ۳ این‌گونه نشان می‌دهد که در بردارنده این جرم است، ولی این قصور در قید نکردن جرم برده‌داری، مغایر با رویه موجود در حقوق بین‌الملل کیفری است. از طرف دیگر، تفکیک مخاصمات به بین‌المللی و داخلی و اختصاص ماده ۳ به جنایات ارتكابی در مخاصمات داخلی سبب می‌شود تا بسیاری از جنایات جنگی از جمله کشتار، قتل خائنه، و صدور دستور قتل عام بازماندگان که صرفاً در مخاصمات بین‌المللی جنایت محسوب می‌شوند از شمول صلاحیت دادگاه خارج شوند. علاوه بر این، حقوق مخاصمات بین‌المللی دربرگیرنده مقررات حمایتی برای غیرنظامیان و اسیران و مجروحین است، در حالی که تعاریف موجود در حقوق مخاصمات داخلی مبهم است.

48. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op.cit.*, p.134.

49. در مورد سیرالتون باید به این نکته اشاره کرد که این کشور عضو معاهدات مذکور است و لذا ملزم به رعایت و تضمین حقوق بشردوستانه در تمام زمینه‌ها است. بنابراین، گروه‌های مسلح در این کشور بالطبع باید از این موضوع مطلع باشند که هرگونه عمل خلاف این اسناد، به‌ویژه سربازگیری کودکان غیرقانونی است. با این حال سازمان عفو بین‌الملل با تعریف بند «ج» ماده ۴ اساسنامه دادگاه سیرالتون مخالفت کرد، زیرا آن را به دلیل کاستی‌های متعدد، مغایر با حقوق بین‌الملل می‌دانست. به عقیده این سازمان، استفاده از کودکان، محدود به اهداف نظامی نیست و همان‌طور که در جنگ سیرالتون شاهد آن بودیم، هرگروه مسلحی می‌تواند از آن‌ها برای اهداف غیرنظامی خود از

ج) جنایات موضوع قوانین سیرالئون (ماده ۵): شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۱۵ به حقوق داخلی سیرالئون که بخش‌های مختلفی از آن قابلیت اعمال در دادرسی‌ها را دارد، اشاره کرد تا بدین وسیله جنایات متعددی که احتمالاً امکان رسیدگی به آن‌ها طبق حقوق بین‌الملل میسر نیست یا تحت شمول قواعد حقوق بین‌الملل واقع نمی‌شوند، مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند. ماده ۵ اساسنامه به این موضوع اختصاص دارد که در مورد جنایات علیه دختران زیر سیزده سال و سیزده تا چهارده سال و تخریب اموال و دارایی، قوانین ۱۹۲۶ و ۱۸۶۱ سیرالئون اعمال می‌شود. علت عنوان کردن قوانین مزبور و اعطای صلاحیت قانونی ملی به دادگاه این است که از بروز هرگونه چالش برای دادگاه به استناد اصل قانونی بودن جرم و مجازات پیشگیری شود و اگر هم متهمی از جنایات بین‌المللی تبرئه شود، به موجب حقوق داخلی مورد پیگرد قرار گیرد.^{۵۰} ایراد مهم این ماده، انحصار جرائم منافی عفت به دختران است، حال آن‌که گستره این جرائم اعم از دختران و پسران است و بند ۳ ماده ۷ اساسنامه رم نیز فارغ از جنسیت قربانیان، ارتکاب این جنایت را محکوم کرده است. نقص دیگر ماده ۵ این است که شدت جرم بر اساس سن قربانی تعیین شده است، درحالی‌که مطابق شق «ز» بند ۱ ماده ۷ اساسنامه رم، چنین جنایتی باید سنگین و شدید ارتکاب یابد تا به مثابه جنایت بین‌المللی محسوب شود.

شایان ذکر است که تدوین‌کنندگان اساسنامه برخلاف رویه دادگاه‌های نسل دوم و سوم و اساسنامه رم از ذکر جنایت ژنوسید خودداری کردند و این جنایت برای نخستین بار در اساسنامه یک دادگاه کیفری پیش‌بینی نشد که دلیل آن نیز عدم احراز ارتکاب هرگونه اشکال ژنوسید از سوی شورای امنیت در جنگ داخلی سیرالئون است.^{۵۱} در این خلال دبیرکل ضمن تأیید نظر شورای امنیت اعلام کرد: «به دلیل فقدان هرگونه مدرکی دال بر وقوع کشتار وسیع یک گروه مذهبی، قومی، نژادی یا ملی با قصد نابودی آن، دلیلی برای پیش‌بینی کردن ژنوسید وجود ندارد».^{۵۲} در نتیجه این جنایت از سوی طراحان دادگاه و شورای امنیت

جمله تهیه غذا، حمل و نقل ابزار نظامی و غیر نظامی و حتی سوءاستفاده‌های جنسی، بهره‌برداری با این حال، این ماده با همان مضمون پیش‌نویس به تصویب رسید. ر.ک: تقدسی، محمد، پیشین، ص ۳۶ و ر.ک:

Also See: Geert-Jan Alexander Knoops, *op.cit.*, pp. 334-335.

۵۰. دبیرکل پس از تدوین پیش‌نویس اساسنامه، در گزارش خود به این نکته اشاره کرد که برای برخی از جنایاتی که در سیرالئون رخ داده مقرراتی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و یا کافی نیست. علاوه بر این دولت سیرالئون نیز از ابتدا بر پیش‌بینی کردن قوانین داخلی سیرالئون اصرار می‌ورزید. به همین جهت پس از جلب موافقت شورای امنیت، ماده ۵ تدوین شد. ر.ک: شایگان، فریده، پیشین، ص ۲۳. و همچنین:

Geert-Jan Alexander Knoops, *op.cit.*, pp. 334-335.

51. Omer Yousif Elagab, *op.cit.*, pp. 256, 265.

52. Report of the Secretary-General on (scsl); UN Doc.S/2000/915, 4 Oct 2000, Annex Agreement of SCSL, Enclosure' Statute of the SCSL. p. 3.

❖ ۱۳۷ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

پذیرفته نشد و در صلاحیت موضوعی دادگاه قرار نگرفت.^{۵۳}

۴-۵. صلاحیت شخصی: تجربه شورای امنیت از مشکلات پیش آمده برای دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به دلیل محاکمه متهمان بعضاً در رده پایین، سبب شد تا این رکن در زمان صدور قطعنامه ۱۳۱۵ تصریح کند که دادگاه ویژه سیرالئون تنها به اتهامات کسانی که بیش‌ترین مسئولیت را در ارتکاب جنایات دارند، رسیدگی می‌کند. لذا این پیشنهاد دیرکل که به منظور گسترده کردن میزان جوابگویی، عبارت «مسئول‌ترین اشخاص» تغییر کند، مورد پذیرش شورای امنیت قرار نگرفت. به همین سبب طبق بند ۱ ماده ۱ اساسنامه، صلاحیت دادگاه تنها به اشخاصی تسری می‌یابد که بیش‌ترین مسئولیت را به‌عنوان رهبران رده بالای سیاسی و نظامی دارند، یا افراد رده پایینی که مرتکب جنایات گسترده شده‌اند. بدین ترتیب هیچ محدودیت دیگری در خصوص صلاحیت شخصی مطرح نیست. در عین حال، صلاحیت دادگاه به‌واسطه تابعیت یا وابستگی یا سمت رسمی محدود نمی‌شود.^{۵۴} هدف از اشاره صریح به رهبرانی که ایجاد و فرایند صلح را به خطر انداختند، محدود ساختن محاکمات به متهمان اصلی، یعنی رهبران شورشی و همدستان آنها است که با اعمال خود موافقتنامه صلح لومه را نقض کردند.^{۵۵} افزون بر این به موجب مفاد اساسنامه

۳۵. طبق نظر سازمان عفو بین‌الملل ژنوسید بایست در اساسنامه قید گردید، ولی احراز وقوع آن در سیرالئون بر عهده دادستان و نهایتاً خود دادگاه ویژه گذاشته می‌شد تا بر مبنای ادله و مدارک ارائه شده تصمیم‌گیری کنند. به نظر این سازمان عدم درج ژنوسید، بی‌اهمیت کردن معیارهای مندرج در اساسنامه رم است، چرا که هر دادگاه بین‌المللی که تأسیس می‌شود باید قواعد و معیارهای اساسنامه رم را به‌عنوان یک سند عام و مهم بین‌المللی مدنظر قرار دهد. ر.ک:

Amnesty International Sierra Leone Recommendation on the Draft Statute of the special court, all index, AFR 57/038/2000/4 november 2000.

با این حال نمی‌توان وقوع جنایت ژنوسید را در این مخاصمه کاملاً رد کرد، زیرا از یک‌سو ضمن بررسی برخی از جنایات از جمله تجاوز جنسی، حاملگی اجباری و ازدواج اجباری، شاهد ارتکاب وسیع این جنایات در راستای خط مشی قومیتی در طی این درگیری هستیم و از سوی دیگر می‌بینیم که در جامعه مردسالار سیرالئون، تجاوز جنسی به اندازه ژنوسید تأثیرگذار است، زیرا در این جامعه سنتی، زنان قربانی را به اجبار وادار به عقیم‌سازی می‌کنند که خود می‌تواند نوعی از مصادیق ژنوسید محسوب شود. ر.ک:

G.Verdirama, "The Genocide Definition in the Jurisprudence of the Ad Hoc Tribunals", *International Comparative Law Quarterly*, vol.49 (2000), p. 578., and Omer Yousif Elagab, *op. cit.*, p. 257.

54. William A. Schabas, "The Relationship Between Truth Commission and International Courts: The Case of Sierra Leone", *op.cit.*, p. 1044. and William A. Schabas, *The UN International Criminal Tribunals*, *op.cit.*, p. 38. and Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op.cit.*, pp. 23-34.

و همچنین رجوع کنید به: تقدسی، محمد، پیشین، ص ۴۱.

۵۵. اما دیرکل اعلام کرد که دادگاه باید مسئول‌ترین اشخاص را تعقیب کند و بدین معنا نیست که محاکمات تنها محدود به رهبران سیاسی و نظامی است، بنابراین تعیین اشخاصی که دارای بیش‌ترین مسئولیت هستند، در هر پرونده در بدو امر وظیفه دادستان و نهایتاً دادگاه است. با این حال، از محدودیت‌های مالی دادگاه و رویه‌ای که تاکنون در پیش گرفته، چنین به نظر می‌رسد که برخلاف نظر دیرکل، دادگاه محاکمه همه متهمان را در دستور کار خود قرار ندهد. در تأیید این موضوع نیز شورای امنیت در قید آخر بند ۱ مستقیماً به رهبران مزبور اشاره کرده است. در نتیجه می‌توان گفت که دادگاه تنها به محاکمه متهمان اصلی اکتفا می‌کند و تعقیب سایر متهمان را به دادگاه‌های ملی خواهد سپرد.

دادگاه، دو گروه دیگر که تاکنون در هیچ دادگاه بین‌المللی محاکمه نشده‌اند، تحت صلاحیت دادگاه ویژه قرار می‌گیرند: اول نیروهای حافظ صلح و دوم کودکان سرباز پانزده تا هجده سال.

بند ۱. صلاحیت دادگاه بر نیروهای حافظ صلح: صلاحیت دادگاه به هیچ وجه محدود به ملیت متهمان نیست، اگرچه در مورد نیروهای حافظ صلح، صلاحیت دادگاه ویژه نسبت به محاکم ملی کشورهای فرستنده نیروها، تکمیلی است. از جمله اشخاصی که دادگاه می‌تواند صلاحیتش را نسبت به آن‌ها اعمال کند، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای، و نیروهای دولت‌های فرستنده است. طبق بند ۲ و ۳ ماده ۱ اساسنامه این نیروها به تبعیت از ماده ۱۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از حوزه صلاحیت اولیه دادگاه ویژه خارجند، چرا که دولت فرستنده در اعمال صلاحیت بر نیروهای خود حق تقدم دارد. به عبارتی ابتدا دولت فرستنده باید به تعقیب و محاکمه نیروهای خود که مرتکب نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه در سرزمین سیرالئون شدند، اقدام کند و در صورتی که این دولت نخواهد یا نتواند تحقیق و تعقیب به عمل آورد، دادگاه می‌تواند فقط در صورت ارائه پیشنهاد یک دولت ثالث به شورای امنیت و موافقت این رکن، صلاحیت خود را نسبت به این اشخاص اعمال کند.^{۵۶} با این حال، این مجوز به خودی خود تضمینی برای پیگرد کسانی که مسئول شناخته شده‌اند، نیست. زیرا اگر معاهده‌ای بین دادگاه ویژه و کشور فرستنده برای استرداد متهم وجود نداشته باشد یا کشور فرستنده نیروها، حتی به موجب قطعنامه فصل هفتم منشور ملل متحد نیز حاضر به محاکمه یا استرداد متهمان به دادگاه نباشد، دادگاه ویژه نمی‌تواند دولت فرستنده را ملزم به تسلیم متهم کند. این جرح و تعدیل در صلاحیت اولیه دادگاه پاسخی به نگرانی شورای امنیت بود که صلاح را در این می‌دانست که تعقیب و محاکمه نیروهای مجرم موجب مسئولیت دولت‌های فرستنده نیروها شود.^{۵۷}

دلیل دخالت دادن دولت‌های ثالث برای جلب رضایت شورای امنیت، منطقی به نظر نمی‌رسد و بهتر آن بود که آیینی مشابه اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا پیش‌بینی می‌شد و در این مورد هم این رکن با صدور قطعنامه‌های موردی از دولت مربوط تقاضای همکاری با دادگاه را می‌کرد. با این حال، شورای امنیت با این طرح مخالفت و چنین شرطی را در بند ۳ ماده ۱ قید کرد.^{۵۸}

بند ۲. صلاحیت دادگاه بر کودکان سرباز: به‌کارگیری وسیع کودکان به‌عنوان سرباز توسط طرفین

۶۵. طرح این موضوع در زمان تدوین اساسنامه دادگاه، مخالفت بسیاری از اعضای جامعه بین‌المللی را در پی داشت. لذا این نگرانی‌ها موجب شد تا صلاحیت دادگاه مشروط به پیشنهاد یک دولت ثالث به شورای امنیت، همراه با موافقت و اجازه شورای امنیت شود.

57. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op, cit*, p. 27. William A. Schabas, "The Relationship Between Truth Commission and International Courts: The Case of Sierra Leone", *op.cit.*, p. 1044:

در ضمن دولت‌های فرستنده نیرو نیز با اشاره به بند ۲ و ۳ ماده ۱ اعلام کردند که طرف موافقتنامه تأسیس دادگاه نبوده، بدین ترتیب ملزم به همکاری با دادگاه نیستند.

۵۸. شایگان، فریده، پیشین، ص ۲۵.

درگیر در جنگ سیرالئون، از مشخصه‌های استثنایی و دهشتناک این مخاصمه نسبت به سایر مخاصمات تا آن زمان بود. از همان آغاز دور مذاکرات تأسیس دادگاه ویژه، مسأله تعقیب و محاکمه کودکان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دولت و نمایندگان جامعه مدنی سیرالئون صریحاً خواستار تعقیب و محاکمه کردن آن‌ها بودند. در مقابل، سازمان‌های غیردولتی، مخالف محاکمه کودکان بودند و با اعتراض به هرگونه طرح مسئولیت قضایی کودکان زیر هجده سال، این مسأله را تهدیدی برای بازپروری آن‌ها تلقی می‌کردند.^{۵۹} دولت سیرالئون و دبیرکل در پیش‌نویس اساسنامه دادگاه، امکان محاکمه کودکانی را که حین ارتکاب جنایات بالای پانزده سال داشتند، ذیل ماده ۷ اساسنامه پیش‌بینی کردند؛^{۶۰} با آن‌که این راهکار تا پیش از این سابقه نداشته و ماده ۲۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز سن بالای هجده سال را ملاک تعقیب و محاکمه نزد دیوان قرار داده است.^{۶۱}

براساس بند ۱ ماده ۷ اساسنامه، دادگاه ویژه هیچ‌گونه صلاحیتی بر کودکانی که در زمان ارتکاب جنایات ادعایی کمتر از پانزده سال داشته‌اند، ندارد. به علاوه طبق بند ۵ ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان ملزم به تضمین این موضوع است که چنین کودکانی زندانی نشوند و به برنامه بازپروری آن‌ها خللی وارد نگردد و همچنین شیوه‌های جایگزین محاکمه مجرمین نوجوان به‌ویژه فرستادن آن‌ها به کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی ملی بجای محاکمه کردنشان در دادگاه مدنظر قرارگیرد، زیرا از ماده ۱۹ نیز چنین استنباط می‌شود که مجازات زندان برای کودکان مجرم حذف شده است.^{۶۲}

بدین ترتیب طبق ماده ۷ اساسنامه، اشخاص پانزده تا هجده سال چنانچه نزد دادگاه حاضر شوند از کلیه تضمینات مصرح در اساسنامه برخوردار خواهند بود. این راه‌حل سازمان ملل، احتمال و امکان محاکمه کودکان را با در نظر گرفتن تضمین و حمایت‌هایی باز می‌گذارد که از جمله تفکیک محاکمات آن‌ها از

۹۵. ر.ک: تقدسی، محمد، پیشین، ص ۵۳.

۹۶. در این اثنا دبیرکل نیز نگرانی خود را از عواقب محاکمه این کودکان که هم قربانی و هم مجرم محسوب می‌شدند، ابراز داشت. وی در گزارش ۴ اکتبر ۲۰۰۰ خود به شورای امنیت، ضمن ناگوار خواندن محاکمه آن‌ها در کنار سایر جنایتکاران، گزینه‌های مختلف برخورد با این کودکان را مطرح کرد. شورا نیز در نامه‌ای خطاب به دبیرکل، موافقت اعضای خود را با رسیدگی غیرقضایی به وضعیت کودکان سرپاز از طریق کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی اعلام داشت و دولت را به توسعه نهادهای حقوقی مناسب جهت وضع مقررات مربوط به کودکان تشویق کرد. ر.ک:

Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op.cit.*, pp. 311-312.; Letter from President of Security Council addressed to Secretary-General (31 January 2001) UN Doc S/2001/ 95). Available at :www.un.org. security council.(SCSL).

۱۶. نکته قابل توجه این است که هیچ‌یک از مقررات حقوق بین‌الملل از جمله بند ۲ از شق ۳ ماده ۴ پروتکل الحاقی اول و بند ۳ از شق ۳ ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مانع از تعقیب و محاکمه کودکان نیستند و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق کودک، مسئولیت کودکان ۱۵ سال به بالا را در صورتی که در قوانین ملی کشورها پیش‌بینی شده باشد، به رسمیت می‌شناسد و حتی تعیین مجازات اعدام برای کودکان را منع نمی‌کند. ر.ک: تقدسی، محمد، پیشین، ص ۳۵-۳۴.

62. Cesare P.R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K.Kleffner, *op.cit.*, p. 312.

بزرگسالان در کنار اقدامات و تدابیر حمایتی و تأمینی است. در نتیجه، کلیه مراحل رسیدگی قضایی کودکان مذکور، با توجه به سن و مطلوبیت کمک به بازپروری آنها صورت می‌پذیرد.^{۶۳} به هر حال، فارغ از انتقاداتی که در خصوص پیش‌بینی محاکمه کودکان سرباز در اساسنامه دادگاه ویژه وارد است، تدابیر پیش‌بینی شده در اساسنامه و همچنین احکام صادر از این دادگاه، معیار مناسبی برای سایر دادگاه‌های کیفری و دیوان بین‌المللی کیفری خواهد بود.

گفتار دوم) دستاوردهای دادگاه ویژه سیرالئون در رسیدگی به جنایات

در این گفتار سعی بر آن داریم که محاکمات متهمین اصلی را بررسی کنیم و لذا پیش از این، به اشکال مختلف مسئولیت که در جریان دادرسی‌ها مطرح می‌شود، اشاره‌ای خواهیم کرد.

۱. مسئولیت کیفری فردی در اساسنامه دادگاه

به طوری که پیش از این گفتیم دادگاه ویژه به موجب ماده ۱ اساسنامه خود، تعقیب کسانی را که به‌عنوان مقامات رده بالا دارای بیش‌ترین مسئولیت در ارتکاب جنایات هستند و منازعات را رهبری می‌کردند، در دستور کار خود قرار داده است. برخلاف رویه دادگاه‌های سابق، بنا به مصالحی از جمله کمبود بودجه و ممانعت از طولانی شدن دادرسی‌ها اساسنامه دادگاه با محدود کردن صلاحیت شخصی و زمانی از تعقیب بسیاری از کسانی که به‌عنوان مأمور در سطوح پایین‌تر فرماندهی قرار دارند، خودداری کرد.^{۶۴}

تدوین‌کنندگان اساسنامه، با توجه به قطعنامه ۱۳۱۵ شورای امنیت، با الگوبرداری از مواد ۷ و ۶ اساسنامه‌های دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، اصل مسئولیت کیفری فردی را ذیل ماده ۶ اساسنامه درج کردند.^{۶۵} مطابق بند ۱ و ۲ ماده ۶ دادگاه نسبت به اشخاص حقیقی که به‌نحوی مرتکب جنایات مشمول مواد ۲ تا ۴ شده‌اند، فارغ از این که در مقام و سمت رسمی قرار دارند، صلاحیت دارد و بند ۳ این ماده همانند ماده ۲۸ اساسنامه رم به روابط مقام مافوق و زیردستان او در سلسله‌مراتب مسئولیت میان آنها اشاره کرده است. در ضمن ماده ۶ برخلاف ماده ۲۸ اساسنامه رم تفکیکی میان فرماندهان نظامی و غیر نظامی قائل نشده و همه را ذیل عنوان مافوق آورده است. علاوه بر این، بند ۴ نیز به تبعیت از اساسنامه محاکم کیفری و

۳۶. به بیان دیگر، اطلاق بند ۱ ماده ۱ یعنی اشخاص دارای بیش‌ترین مسئولیت در ارتکاب جنایات علیه کودکان جای بحث دارد، چرا که در این مفاصله بارها از کودکان در سمت‌های بالای نظامی استفاده شده و لذا شدت و اهمیت جنایات ارتکابی توسط کودکان، سبب شده که آنها نیز در زمره این اشخاص قرار گیرند. با وجود این بند ۳ ماده ۶ به مسئولیت مافوق اشاره دارد که با توجه به شرایط به‌کارگیری کودکان در جنگ می‌توان گفت که در این مورد مقام مافوق مسئول اصلی ارتکاب جنایات توسط کودکان است، زیرا کودکان ملزم به تبعیت از مافوق خود شده بودند. ر.ک: شایگان، فریده، پیشین، ص ۲۸-۲۹ و تقدسی، محمد، پیشین، ص ۵۳.

64. Cesare P. R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K. Kleffner, *op.cit.*, pp. 23-24.

65. Yves Beigbeder, *op.cit.*, p. 127.

برخلاف ماده ۳۳ اساسنامه رم موارد احتمالی معافیت مأمور را نادیده انگاشته که تفاوت مهمی نسبت به این سند بین‌المللی محسوب می‌شود.^{۶۶}

نکته استثنایی در این ماده، بند ۵ آن است که در اسناد قبلی سابقه نداشته است. اساسنامه دادگاه، اهمیت تفکیک میان جنایات بین‌المللی و جنایات طبق حقوق ملی را مورد توجه قرار داده است. بند ۵ به مسئولیت کیفری مرتکبان جنایات موضوع ماده ۵ که تحت صلاحیت حقوق داخلی سیرالئون هستند، اشاره می‌کند و تعیین و تشخیص مسئولیت آن‌ها را به قوانین سیرالئون و اصول حقوق کیفری ملی می‌سپارد.^{۶۷} به هر روی، اصل مسئولیت فردی مقرر در این اساسنامه، بیانگر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است که معاهدات و اسناد بین‌المللی نیز پیش از این بارها بر آن صحنه گذارده‌اند.^{۶۸} به این ترتیب، دادگاه با پشتوانه قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و معاهدات مذکور، صلاحیت محاکمه کردن متهمان را به استناد این اصل، فارغ از سمت رسمی آنان دارد. با این اوصاف، دادگاه ویژه حتی در مقایسه با دادگاه‌های نسل دوم از استانداردهای بالاتری از جرم‌انگاری برخوردار است. به طور مثال دادستان باید حین تحقیقات و قبل از ارائه یک پرونده به استناد کیفرخواست مربوط به دادگاه، اطمینان یابد که مظنون مورد نظر، مرتکب جنایت یا جنایاتی شده که در صلاحیت دادگاه است و سپس کیفرخواست را صادر کند. بدین منظور دادستان دادگاه ویژه با اعلام مسئولیت کیفری اکثر مقامات نظامی و سیاسی این کشور، از اوایل مارس ۲۰۰۳، سیزده فقره کیفرخواست علیه متهمان مزبور و همچنین چارلز تیلور رئیس‌جمهور سابق لیبریا صادر کرد. اما با مرگ *فودای سانکوه* و *ساموئل هینگا نورمن* تعداد کیفرخواست‌ها به یازده مورد تقلیل یافت. ضمناً کیفرخواست *جانی پل کروما* نیز به دلیل مفقودالثر و مجهول‌المکان بودن وی تاکنون مسکوت مانده است.^{۶۹}

۶۶. از یک دیدگاه، از آن‌جا که اساسنامه رم جمیع معیارها و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری را در خود جای داده است، شایسته بود که طراحان اساسنامه دادگاه سیرالئون لااقل هنگام تدوین این ماده توجه خود را بیش‌تر معطوف به مواد ۲۵، ۲۷، ۲۸ و ۳۳ اساسنامه رم می‌کردند؛ زیرا مواد مذکور در مقایسه با اساسنامه محاکم سابق با نگاهی موشکافانه‌تر جنبه‌های مختلف انتساب مسئولیت کیفری فردی را پیش‌بینی کرده‌اند. ر.ک: فضائلی، مصطفی، پیشین، ص ۲۸۵ و میرمحمد صادقی، حسین، *دادگاه بین‌المللی کیفری*، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۳، ص، ۱۴۷-۱۵۱.

67. Cesare P. R. Romano, Andre Nollkaemper and Jann K. Kleffner, *op. cit.*, p. 305.

۶۸. ساک، کریانگ، شیایزری، کیتی، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۶۴ و ایرندآبادی، علی حسین نجفی، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴، ص ۱۸۰.

69. The Rule 46 of the Rules of Procedure and Evidence of the Special Court for Sierra Leone, at: [http://www-sc-sl.org/documents/rule of procedure and evidence.pdf](http://www-sc-sl.org/documents/rule%20of%20procedure%20and%20evidence.pdf).; Also See: Gillian Wigglesworth, "the End of Impunity & Lessons from Sierra Leone", *International Affairs* 84: 4, 2008, pp. 812-813.

۲. مسئولیت کیفری ناشی از اعمال مجرمانه مشارکتی^{۷۰}

علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، نوع دیگری از مسئولیت تحت عنوان مسئولیت عمل مجرمانه مشارکتی مطرح است که تا کنون فقط در شق «د» بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه رم^{۷۱} مطرح شده؛ هرچند به علت تثبیت این مفهوم در حقوق بین‌الملل کیفری، در دادگاه‌های بین‌المللی و دادگاه ویژه مورد استناد قرار گرفته است.^{۷۲} در واقع با اجرای این مفهوم، حوزه مسئولیت کیفری افراد به دلیل اعمال مجرمانه توسط سایرین گسترده می‌شود. با بررسی آرا و کیفرخواست‌های صادر از دادگاه‌های مذکور، به نظر می‌رسد که مسئولیت کیفری انتسابی یا ناشی از اعمال دکترین مسئولیت مافوق است یا ناشی از استناد به دکترین عمل مجرمانه مشارکتی. در نتیجه در کنار اصل فردی بودن مسئولیت کیفری که از اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل کیفری است، با اعمال دکترین عمل مجرمانه مشارکتی مواجه هستیم که مفهوم مسئولیت کیفری جمعی را متبادر می‌کند.^{۷۳} در مورد دادگاه ویژه سیرالئون نیز باید یادآور شد که اساسنامه دادگاه هیچ‌گونه اشاره صریحی به اعمال مجرمانه مشارکتی و مسئولیت طرح مشترک نکرده است. با این حال این نکته دادستان را از طرح این نوع مسئولیت در کیفرخواست‌ها باز نداشته است. به نظر دادستان استناد به چنین مدل گسترده مسئولیتی، از احتمال تبرئه شدن متهمان می‌کاهد.^{۷۴} در این راستا شعب دادگاه با تفسیر اساسنامه، احکامی حاوی طرح مسئولیت مجرمانه مشترک علیه برخی از متهمان صادر کردند که به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

70. Joint Criminal Enterprise.

۷۱. این ماده به مسئولیت ناشی از مشارکت در یک گروه دارای هدف مجرمانه مشترک اشاره می‌کند. لذا هرکس عالماً و عامداً به هرشکلی به ارتکاب یا شروع جرمی توسط گروهی از اشخاص که با هدف مشترک اقدام می‌کنند یاری رساند، دارای مسئولیت مجرمانه مشارکتی است.

۷۲. برای نخستین بار دادگاه یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ در سال ۱۹۹۹ به مسئولیت ناشی از عمل مجرمانه مشارکتی استناد کرد. شعبه بدوی استدلال دادستان در خصوص اعمال دکترین مزبور را رد کرد، اما شعبه تجدیدنظر ضمن نقض حکم بدوی اعلام داشت که اگر شخصی عالماً در ارتکاب یک عمل مجرمانه با دیگران مشارکت کند، در قبال کلیه جرائمی که نتیجه این قصد مشترک هستند، مسئول خواهد شد. این شعبه برای تثبیت این دکترین سه عنصر را ضروری می‌خواند: اولاً تعدد افراد مرتکب کافی است و نباید لزوماً تشکل سیاسی یا نظامی باشد، ثانیاً وجود یک طرح با هدف مشترک که منجر به ارتکاب یکی از جرائم احصا شده در اساسنامه دادگاه شود، ثالثاً شرکت فرد متهم در طراحی مشترک برای ارتکاب یکی از جرائم مزبور که علاوه بر مباشرت، معاونت و کمک در اجرای طرح را نیز در برمی‌گیرد.

۷۳. طبق دکترین مسئولیت مشارکتی، متهمان نسبت به جرائمی که در خارج از حیطه طرح اولیه توافق شده، ارتکاب یافته‌اند نیز مسئول هستند؛ درحالی‌که مسئولیت کیفری مافوق ناشی از قصور وی در ممانعت از ارتکاب جنایات توسط زیردستان یا مجازات نکردن آن‌ها است. البته در صورتی که جنایات در قالب یک هدف مشترک با سایر متهمان ارتکاب یابد، مسئولیت کیفری فردی و مافوق عنوان مشارکتی هم می‌یابد. رک: تقدسی، محمد، پیشین، ص ۴۹-۵۲.

74. Gillian Wigglesworth, *op.cit.*, p. 818.

❖ ۱۴۳ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

۳. عدم پذیرش عفو اعطایی موافقتنامه صلح لومه نسبت به جنایات مواد ۲ تا ۴

اساسنامه

همان‌گونه که پیش‌تر ملاحظه کردیم شورای امنیت در مقدمه قطعنامه ۱۳۱۵ با تأیید موضع نماینده ویژه دبیرکل در زمان انعقاد موافقتنامه لومه، امکان تسری عفو مندرج در این موافقتنامه را نسبت به جنایات بین‌المللی رد کرد. در نتیجه، به‌رغم مخالفت‌های بسیار در سیرالتون، ماده ۱۰ مقرر کرد: «در مورد جنایات مذکور در مواد ۲ تا ۴ اساسنامه، مقررات عفو عمومی اعطا شده به اشخاصی که مشمول صلاحیت دادگاه هستند، مانع از تعقیب آن‌ها نمی‌شود».^{۷۵}

با آغاز به کار دادگاه ویژه، متهمین با تخطی‌ناپذیر خواندن عفو مذکور در موافقتنامه لومه، مدعی شدند که دولت سیرالتون طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، ملزم به اجرای موافقتنامه است و از این رو دادگاه حق اعمال صلاحیت بر جنایات قبل از ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ را ندارد. شعبه تجدیدنظر دادگاه در پاسخ به این ادعا اظهار داشت که: «با توجه به حق شرط الحاقی به موافقتنامه لومه و عدم تسری عفو به جنایات بین‌المللی و قطعنامه ۱۳۱۵ شورای امنیت، دادگاه طبق ماده ۱۰ اساسنامه، صلاحیت رسیدگی به کلیه موارد اتهامی احصایی در اساسنامه را دارد. ضمناً موافقتنامه لومه میان دو نهاد ملی یعنی دولت مرکزی و گروه شورشیان منعقد شده که در این صورت اثر آن محدود به حقوق داخلی است و معاهده بین‌المللی محسوب نمی‌شود. به علاوه، دولت سیرالتون نیز با اعطای چنین عفوی در قالب موافقتنامه و تصویب قانونی در این خصوص، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده است. لذا تعهدات ناشی از این موافقتنامه باید در سطح قوانین داخلی تنظیم شود و در نتیجه تأثیری بر تعقیب مرتکبین جنایات بین‌المللی در یک دادگاه بین‌المللی نخواهد داشت».^{۷۶} این شعبه با در نظر گرفتن دکترین صلاحیت جهانی، عفو را نوعی اعمال صلاحیت حاکمیتی دولت دانست که برای دولت‌های دیگر الزامی ایجاد نمی‌کند و به حق اعمال صلاحیت جهانی سایر دولت‌ها برای تعقیب جنایتکاران بین‌المللی خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. از این رو دادگاه ویژه در راستای

۷۵. اگرچه عفو نسبت به جنایات بین‌المللی مورد قبول واقع نشد، ولی موافقتنامه مذکور به دلیل تصویب در پارلمان سیرالتون به‌عنوان قانون داخلی محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد تنها مانع از پیگرد جنایات طبق حقوق ملی و بین‌المللی ارتكابی قبل از انعقاد موافقتنامه لومه، در دادگاه‌های ملی سیرالتون و جنایات ملی ذیل ماده ۵ اساسنامه قبل از ۱۹۹۹ در دادگاه ویژه می‌شود.

۷۶. طبق ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه اجرای حقوق داخلی از تعهدات بین‌المللی خود شانه خالی کند. به نظر این شعبه، تعهد به حمایت از کرامت انسانی، هنجاری تخطی‌ناپذیر با ماهیت عام‌الشمول است و اعطای عفو نقض این تعهدات است. به همین خاطر نماینده ویژه دبیرکل در زمان امضای موافقتنامه با الحاق شرطی، تسری عفو نسبت به جنایات بین‌المللی را رد کرد. ر.ک:

Prosecutor v. Morris Kallon, Brima Bazzy and Kamara, Special Court of Sierra Leone, SCSL-2004-15-AR 72 (E) and SCSL-2004-16-AR 72 (E), Decision on Challenge to Jurisdiction: Lome Accord Amnesty, appeals chamber, 13 March 2004. Paras. 22-35, 60, 73.

اعمال این حق، اقدام به محاکمه آنها کرده است.^{۷۷} دادگاه معتقد است که در حقوق عرفی، ممنوعیتی برای اعمال قوانین عفو وجود ندارد، بلکه با محدودیت‌هایی مواجه است که در صورت حصول برخی اهداف از جمله تضمین صلح و آشتی ملی، جبران خسارت وارد به قربانیان یا اعطای عفو همراه با تأسیس کمیسیون حقیقت‌یاب، مشروع تلقی می‌شود. اما در مورد سیرالئون، عفو مذکور به هیچ‌یک از این اهداف منتج نشد و از همان آغاز با نقض موافقتنامه از سوی شورشیان مواجه گشت.^{۷۸} بنا بر این رویکرد، مؤسسه دادگاه در اقدامی بی‌سابقه با رد ملی تلقی کردن عفو نسبت به جنایات بین‌المللی - طبق ماده ۱۰ اساسنامه - امکان پیش‌بینی مستقیم چنین امری را در آینده میسر ساختند؛ چرا که تا پیش از این در هیچ اساسنامه‌ای به عدم مشروعیت چنین عفو‌هایی اشاره نشده بود.^{۷۹}

۴. محاکمه رهبران شورشی جبهه متحد انقلابی^{۸۰}

دادستان دادگاه ویژه در ۷ مارس ۲۰۰۳ علیه رهبران شورشی از جمله عیسی حسن سسی، موریس کالون و در ۱۶ آوریل ۲۰۰۳ علیه آگوستین گبائو کیفرخواست واحدی با ۱۷ فقره عنوان مجرمانه صادر کرد که متعاقباً در ۲ آگوست ۲۰۰۶ این عناوین با اصلاحاتی به ۱۸ فقره افزایش یافت.^{۸۱} متعاقباً محاکمه سران

77. See: *Ibid.*, Paras 41, 68-70:

شاید از این جهت بتوان از استدلال دادگاه انتقاد کرد که اساساً صلاحیت جهانی، مربوط به دولت‌ها است و یک دادگاه نمی‌تواند در جایگاه یک دولت به اعمال اصل صلاحیت جهانی بپردازد. به عبارت دیگر، اعمال این صلاحیت تنها در اختیار دولت‌ها است. دقیق‌تر آن است که بگوییم دادگاه بین‌المللی یا مختلط همان صلاحیتی را اعمال می‌کند که بدان اعطا شده و عفو داخلی مانع آن نخواهد بود.

78. *Ibid.*, Paras 67-68.

۹۷. در هیچ کدام از معاهدات بین‌المللی، ممنوعیت صریحی برای تصویب قوانین عفو یا ممانعت از تعقیب کیفری جنایتکارانی که مشمول عفو شده‌اند، پیش‌بینی نشده است. اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری نیز در مورد شناسایی عفوهای ملی ساکت هستند. براساس رویه بین‌المللی، می‌توان گفت به طور کلی دولت‌ها از اعمال این‌گونه عفو‌ها منع می‌شوند یا آن‌که آن عفو‌ها در مواردی فاقد آثار حقوقی برای دیگر دولت‌ها خواهد بود. برای مطالعه بیشتر تر. رک: ملک‌الکتاب، مهدیه، پیشین، ص ۱۳۸ - ۱۲۸.

80. Revolutionary United Front of Sierra Leone (RUF).

81. The Indictment of RUF and AFRC, 3 March 2003, at <http://www.sc-sl.org/documents/htm>.; Amended Indictment of Issa Hassan Sesay, Morris Kallon and Augustine Gbao, 2 August 2006, at <http://www.sc-sl.org/documents/RUF/SCSL-04-15-T-619.pdf>., and Gillian Wigglesworth, *op.cit.*, pp. 811, 824:

عناوین مجرمانه در کیفرخواست متهمان شامل این موارد بود: (۱) جنایت علیه بشریت ذیل ماده ۲ اساسنامه: بند ۳ (نابودسازی، ۴) قتل عمدی، (۶) هتک ناموس، (۷) بردگی جنسی و هر شکل دیگری از خشونت جنسی، (۸) اعمال غیرانسانی دیگر (از جمله خشونت جنسی)، (۱۱) اعمال غیرانسانی دیگر (از جمله خشونت جسمی)، (۱۳) به بردگی گرفتن، (۱۶) کشتار غیرقانونی و قتل عمد (ناشی از حمله به کارکنان ملل متحد).

(۲) نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم (جنایت جنگی) ذیل ماده ۳ اساسنامه: بند ۱ (اعمال ارعاب‌آمیز، ۲) مجازات‌های دسته‌جمعی، (۵) تعرض به جان، سلامتی و آسایش جسمی و روانی اشخاص به‌ویژه قتل عمد (ضمن ارتکاب اعمال ارعاب‌آمیز و مجازات‌های دسته‌جمعی)، (۹) هتک کرامت انسانی اشخاص، (۱۰) تعرض به جان، سلامتی جسمی و روانی اشخاص به‌ویژه رفتارهای

شورشی در ۵ ژوئیه ۲۰۰۴ در شعبه بدوی دوم دادگاه ویژه سیرالئون آغاز شد. شعبه بدوی پس از استماع اظهارات دادستان و متهمین، ضمن بررسی ادله و مدارک مربوط در ۲۵ فوریه ۲۰۰۹ سسی و کالون را طبق موارد اتهام ۱ تا ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و گبائو را طبق موارد اتهام ۱ تا ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۸ مندرج در کیفرخواست مجرم شناخت. از دیگر موارد اتهامی، جرم ازدواج اجباری^{۸۲} بود که متعاقباً هر سه متهم نسبت به این عنوان مجرمانه نیز محکوم شدند.^{۸۳} در مقابل، شعبه مذکور حکم برائت هر سه متهم را در خصوص کشتار غیرقانونی و قتل عمد ناشی از حمله به کارکنان ملل متحد، اتهام جنایت علیه بشریت ذیل ماده ۲ اساسنامه (مورد ۱۶ اتهامی) و گروگانگیری ذیل ماده ۳ اساسنامه (مورد ۱۸ اتهامی) صادر کرد. علاوه بر این، گبائو نیز از اتهام سربازگیری از کودکان طبق ماده ۴ اساسنامه (مورد ۱۲ اتهامی) و قتل عمد نیروهای حافظ صلح (ماده ۳ اساسنامه) میرا شد.^{۸۴} مضافاً این که، جدای از مسئولیت کیفری ماده ۶ تمام متهمان به خاطر ارتکاب اعمال مجرمانه مشترک با نیروهای شورای انقلابی نظامی براساس مسئولیت مشارکتی محکوم شدند. سرانجام طبق حکم صادر از سوی شعبه بدوی در ۸ آوریل ۲۰۰۹ سسی به ۵۲ سال، کالون به ۴۰ سال و گبائو به ۲۵ سال حبس محکوم شدند.^{۸۵}

غیرانسانی (ضمن خشونت جسمی)، ۱۴) غارت اموال، ۱۷) تعرض به جان و سلامتی و آسایش جمعی و روانی اشخاص به‌ویژه قتل عمد (ضمن حمله به نیروهای حافظ صلح ملل متحد)، ۱۸) ربودن و گروگان‌گیری.

۳) دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی ذیل ماده ۴ اساسنامه: بند ۱۲) فراخواندن یا ثبت نام اطفال زیر پانزده سال به خدمت سربازی در نیروها یا گروه‌های نظامی و به‌کارگرفتن آن‌ها به منظور مشارکت فعالانه در مخاصمات، ۱۵) هدایت عمدی حملات علیه نیروها و تأسیسات کمک‌رسانی بشردوستانه و نیروهای حافظ صلح ملل متحد.

پس از صدور کیفرخواست مزبور، فودای سانکوه رهبر شورشیان و سام بوکاریه معاون وی هر دو در ماه می و ژوئیه ۲۰۰۳ در درگیری با نیروهای حافظ صلح در لیبریا کشته شدند و دادستان نیز در پی این وقایع در ۸ دسامبر ۲۰۰۳ کیفرخواست آن‌ها را پس گرفت.

۸۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرم ازدواج اجباری ر.ک: امیری، فاطمه، «توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون»، مجله حقوقی بین‌المللی، همین شماره.

۸۳. مدتی بعد دادستان با درج عنوان مجرمانه جدید در کیفرخواست رهبران شورشیان و شورای انقلابی نیروهای نظامی را اصلاح کرد. این عنوان مجرمانه جدید ازدواج اجباری بود که تا پیش از این هیچ‌گونه رویه‌ای درمورد چنین جنایتی در هیچ کدام از دادگاه‌های بین‌المللی سابق مشاهده نشده بود. به هر تقدیر وی با اتخاذ این رویکرد، جنایت مذکور را ذیل مورد اتهامی ۸ یعنی به‌عنوان جنایت علیه بشریت در قالب ارتکاب اعمال غیرانسانی و مجزا از سایر جنایات جنسی قرار داد و سپس کیفرخواست اصلاحی را به یکی از شعب بدوی ارسال داشت تا در صورت تأیید این شعبه، متهمان مذکور به خاطر ارتکاب این عنوان مجرمانه نیز مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند. بالاخره شعبه مزبور نیز در ۶ می ۲۰۰۴ با بررسی مدارک و استماع دفاعیات متهمان و دادستان با اصلاح کیفرخواست موافقت کرد. ر.ک:

See: *Prosecutor v. Sesay et al*, and *Brima et al*, Decisions on Prosecution Requests for Leave to Amend the AFRC/RUF Indictments and Dissenting Opinions of Judge Bankole Thompson, President Judge of the Trial Chamber, SCSL-2004-15PT and SCSL-2004-16T, 6 May 2004.

84. See: *Prosecutor v. Issa Hassan Sessay, Morris Kallon and Augustine Gbao* (Case No. SCSL- 09-25T) 25 February 2009.

85. *Prosecutor v. Sesay, Kallon and Gbao*, SCSL- 04 -14- 6, Sentencing Judgment, (8 April 2009).

پس از صدور حکم بدوی، متهمین و دادستان درخواست تجدیدنظر خود را به شعبه تجدیدنظر ارسال کردند. مهم‌ترین دلیل تجدیدنظرخواهی متهمان مربوط به اتهام اعمال مجرمانه مشارکتی و تحمل مسئولیت مجرمانه مشترک است. آن‌ها ادعا کردند که شعبه دوم بدوی در ارائه تعریف هدف عمل مجرمانه مشارکتی اشتباه کرده و بدون این که کیفری یا غیرکیفری بودن این هدف را مشخص کند، آن‌ها را به اتهام قصد شرکت در ارتکاب جنایات مشارکتی از طریق همکاری با نیروهای شورای انقلابی نظامی محکوم کرده و مسئولیت اعمال مجرمانه مشارکتی را در مورد آن‌ها محرز دانسته است. شعبه تجدیدنظر نیز با تأیید رأی بدوی متذکر شد که از نظر شعبه بدوی، هدف مجرمانه مشترک شامل دستیابی به قدرت سیاسی و کنترل کشور سیرالئون بوده که در پی آن، تمام متهمان با مشارکت رهبران شورای انقلابی نظامی و با قصد شرکت در جنایات مشارکتی، برای رسیدن به این هدف، مرتکب جنایاتی (موارد اتهامی ۱ تا ۱۴) با ماهیت مشترک و نتایج قابل پیش‌بینی شده‌اند. علاوه بر این، متهمان مدعی شدند که شعبه بدوی نتوانسته رابطه‌ای واقعی میان اعضای مشارکتی و جنایاتی که توسط غیراعضای مشارکتی ارتکاب یافته‌اند، برقرار کند.^{۸۶} شعبه تجدیدنظر با رد این ادعا ابراز داشت که جنایاتی که توسط غیراعضا رخ داده با جنایات ارتكابی نیروهای شورشی و شورای انقلابی که دارای ماهیت گسترده و نظام‌مند هستند، همسو و مطابق است و در راستای یک هدف مشترک ارتکاب یافته‌اند. از این رو تفسیر یکپارچه رأی بدوی حاکی از مسئولیت مشترک تمام متهمان مزبور نسبت به این جنایات است.^{۸۷} کالون نیز مدعی شد که وی فقط به دلیل عضویت در شورای

۸۶. متهمین اعتراض کردند که شعبه بدوی به اشتباه مسئولیت اعمال مجرمانه مشارکتی را که توسط نیروهایی غیر از اعضای مشارکتی ارتکاب یافته‌اند به آن‌ها منتسب کرده است، چرا که نیروهای مزبور به‌عنوان اعضای مشارکتی تحت فرمان آن‌ها نبودند و تنها برخی اعمال ارتكابی توسط آن‌ها در راستای جنایات مشارکتی صورت پذیرفته‌اند. شعبه تجدیدنظر با اشاره به رأی دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی در قضیه «بردانین» (Brdanin) که متهم به دلیل ارتکاب جنایات توسط غیراعضای مشارکتی، مسئول شناخته شد، اعلام کرد که هر عضو عمل مجرمانه مشارکتی، در صورتی مسئول ارتکاب جنایات توسط غیراعضای مشارکتی است که مجرم اصلی در راستای برنامه جنایی مشترک عمل کرده باشد، با این حال، وجود این رابطه باید مورد به مورد ارزیابی و اثبات شود، چراکه این اصل همیشه به همه موارد قابل تعمیم نیست. اما در این مورد به دلیل احراز ارتباط مستقیم میان جنایات ارتكابی توسط غیراعضای مشارکتی با جنایات مشارکتی ارتكابی توسط متهمان (که در راستای تحقق برنامه جنایی مشترک رخ داده‌اند)، اعتراض آن‌ها مردود است و از میان این اعتراض‌ها تنها یک فقره قتل عمد که توسط یکی از نیروهای شورشی در منطقه تونکو اتفاق افتاده بود، از عداد جنایات مشارکتی خارج شد و به متهمان (اعضای مشارکتی) منتسب نشد. ر.ک:

Prosecutor v. Issa Hssan Sesay, Morris Kallon and Augustine Gbao, SCSL-04-15-A, /Summary of Judgment Appeal Chamber /26 October 2009. <http://www.sc-sl.org/html/paras.30-34>.

87. *Ibid.*, paras. 46-47, 48.

سسی هم نسبت به محکومیتش به ارتکاب اعمال مجرمانه مشارکتی در برخی مناطق کشور اعتراض کرد. شعبه تجدیدنظر متذکر شد که ضرورتی ندارد متهم بخشی از جنایات ارتكابی را انجام داده باشد، بلکه مهم این است که در هدف کیفری مشترک مشارکت داشته باشد و بدین ترتیب، داشتن سهم مهمی از مشارکت در ارتکاب جنایت موجب انتساب مسئولیت به متهم می‌شود، لذا تصمیم شعبه بدوی تأیید شد. افزون بر این اتهام، سسی متذکر شد که شعبه بدوی احکام قانونی خود را که محدود به مورد اتهامی ۱۳ در منطقه کونو بین دسامبر ۱۹۹۸ و ژانویه ۲۰۰۰ بود به جنایت بردگی جنسی در منطقه تومبودو گسترش داده و در نتیجه موجب توسعه غیرمنطقی مسئولیت وی نسبت به

دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ... ❖ ۱۴۷

عالی جبهه متحد انقلابی، متحمل مسئولیت مجرمانه مشارکتی ناشی از عمل دیگران شده است. شعبه تجدیدنظر با رد ادعای وی اعلام کرد که بسیاری از این جنایات که دارای ماهیت نظام‌مند و گسترده هستند، با سیاستگذاری تمام اعضای شورای عالی صورت پذیرفته‌اند و در نتیجه وی نیز به دلیل همکاری با این شورا، دارای مسئولیت ناشی از اعمال مجرمانه مشترک است.^{۸۸}

شعبه تجدیدنظر طبق ماده ۲۰ اساسنامه و ماده ۱۰۶ قانون آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا حکم خود را در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹ اعلام کرد. این شعبه در مورد حکم شعبه بدوی علیه سسی اظهار داشت که طبق بند ۱ ماده ۶ اساسنامه، حکم محکومیت وی به‌عنوان مباشر ارتکاب جنایات به بردگی گرفتن و قتل عمدی در منطقه تونگو واقع در سیرالئون از دسامبر ۱۹۹۸ تا ژانویه ۲۰۰۰ باطل است، لکن مسئولیت کیفری وی در مورد بقیه موارد اتهامی مورد تأیید این شعبه است.^{۸۹} در مورد تجدیدنظرخواهی کالون نیز به موجب بند ۱ و ۳ ماده ۶ اساسنامه حکم شعبه بدوی را درخصوص مسئولیت کیفری وی به‌عنوان مباشر و آمر به ارتکاب جنایات قتل عمدی (مورد ۴ اتهامی) و به بردگی گرفتن (مورد ۷ اتهامی) در منطقه کونو در سیرالئون و نابودسازی تحت عنوان جنایت علیه بشریت (مورد ۳ اتهامی)، ملغی اعلام شد، اما تأیید گردید سایر موارد اتهامی در حکم بدوی را تأیید کرد.^{۹۰} در مورد حکم محکومیت گبائو نیز دادگاه تجدیدنظر حکم شعبه بدوی علیه وی را به‌عنوان مباشر در قتل عمد (مورد ۴ اتهامی) در منطقه تنگو و کشتار غیرقانونی شبه نظامیان^{۹۱} و مجازات دسته‌جمعی (مورد ۲ اتهامی) در منطقه کایلاهون و همچنین نابودسازی تحت عنوان جنایت علیه بشریت (مورد ۳ اتهامی) و به گروگان گرفتن نیروهای یونامسیل^{۹۲} به دلیل فقدان عنصر روانی لغو کرد، اما

ارتکاب برنامه‌ریزی این جنایت در خارج از کونو شده است. شعبه تجدیدنظر با تأیید تجدیدنظرخواهی متهم، حکم بدوی را درخصوص برنامه‌ریزی این جنایت توسط وی بین سال‌های مذکور در بخش‌هایی از کونو و تومبودو نقض کرد؛ اما از نظر این شعبه در یک مورد شعبه بدوی در تشخیص این که سسی با صدور دستور در ایجاد برنامه آموزشی ینگما در منطقه کونو برای نیروهای شورشی ۷ ماه پس از اتمام اعمال مشارکتی در دسامبر ۱۹۹۸ مشارکت داشته، دچار اشتباه قضایی شده است. با وجود این، سایر اشکال مشارکت وی در منطقه کونو به قوت خود باقی ماند.

88. *Ibid.*, paras. 26, 30, 38.

89. See Para.70 of the Appeals Chambers Judgment at <http://www.sc-sl.org/document/SCSL-04-15-A>, 26 October 2009. and See: Paras.70-71, pp.13,15.

90. See: *Prosecutor v. Kallon*, SCSL-04-15-A-Judgment, 26 October 2009, pp. 14, 15.

۱۹. شعبه تجدیدنظر گبائو را با توجه به این که در زمان کشتار غیرقانونی نیروهای شبه نظامی در ۱۹۹۸ هیچ سمت یا قدرتی برای متوقف ساختن نداشت تبرئه کرد. همچنین در مورد مجازات‌های دسته‌جمعی نیز به دلیل عدم احراز قصد وی در ارتکاب جنایت از مسئولیت مجرمانه مشارکتی میرا شد. همچنین ر.ک:

See: *Prosecutor v. Gbao*, SCSL-04-15-A-Judgment, 26 October 2009, paras. 56-57.

۲۹. گبائو ادعا کرد که شعبه بدوی در حکم خود وی را متهم کرده که در حمله به اردوگاه‌های پناهندگان سازمان ملل و نیروهای حافظ صلح در ۱ می ۲۰۰۰ به تشویق و کمک کالون مبادرت ورزیده است. شعبه تجدیدنظر پس از بررسی مدارک اعلام کرد که گبائو در محل وقوع جنایت حضور نداشته و مدرکی دال بر آگاهی یا مشارکت وی از قصد حمله کالون به اردوگاه‌های DDR وجود ندارد و در نتیجه، او به دلیل

وی را به اتهام جرم قتل عمد به‌عنوان جنایت علیه بشریت (مورد ۱۶ اتهامی)، برخلاف شعبه بدوی متهم و حکم سایر موارد اتهامی را تأیید کرد.^{۹۳} در نتیجه، هر سه متهم به همان میزان مجازات مقرر در حکم بدوی محکوم شدند.

۵. محاکمه رهبران شورای انقلابی نیروهای نظامی^{۹۴}

دادستان در ۷ مارس ۲۰۰۳ کیفرخواستی با عناوین مشابه کیفرخواست شورشیان، علیه رهبران شورای انقلابی، *الکس تامبا بریما، ابراهیم بازی کامارا و ساتیگیه بوربورکانو* صادر کرد. پس از مدتی دادستان با جلب موافقت شعبه بدوی اول در ۶ می ۲۰۰۴، عنوان مجرمانه ازدواج اجباری را ضمیمه این کیفرخواست کرد.^{۹۵} شعبه دوم بدوی نیز در ۷ مارس ۲۰۰۵ رسیدگی به اتهامات آن‌ها را آغاز و سرانجام رأی خود را در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ صادر کرد. این شعبه طبق بند ۱ و ۳ ماده ۶ اساسنامه مسئولیت کیفری تمامی آن‌ها را با وجود داشتن مصونیت در زمان ارتکاب جرم، هم به‌عنوان مباشر، طراح و صادرکننده دستورات متعدد به ارتکاب جنایات و هم به‌عنوان آمر محرز دانست.^{۹۶} این شعبه در رأی خود اعلام کرد که متهمان مزبور و نیروهای زیردست آنان مرتکب حملات نظام‌مند و گسترده علیه غیرنظامیان شده‌اند و در نتیجه به استناد ماده ۲ اساسنامه و موارد اتهامی در کیفرخواست مجرم شناخته شده‌اند.^{۹۷} با این حال برخلاف شعبه بدوی

فقدان عنصر روانی از ارتکاب این جنایت میرا است. دادستان نیز مدعی شد که همه متهمان به قصد آزادسازی فودای سانکوه، نیروهای حافظ صلح را بازداشت کردند و شعبه بدوی نیز بایست تماس‌های تهدیدآمیز آن‌ها پس از ارتکاب جنایت را به‌عنوان عنصر روانی جنایت مدنظر قرار می‌داد. زیرا لازمه جرم گروگانگیری برقراری تماس تهدیدآمیز با طرف ثالث با قصد ملزم کردن آن طرف به انجام عمل یا خودداری از آن عمل (در این‌جا آزادسازی اسیران) است. وی ادعا کرد که متهمان با قصد بهره‌برداری از بازداشت نیروهای حافظ صلح برای آزادسازی فودای سانکوه که مدتی پس از گروگان‌گیری توسط دولت دستگیر شده بود، مرتکب این جرم شدند. شعبه تجدیدنظر تشخیص داد که صرف تماس تهدیدآمیز لازمه گروگانگیری نیست. اگرچه این نیروها از ابتدا با قصد استفاده از آن‌ها به‌عنوان گروگان بازداشت نشده بودند، اما عنصر معنوی متهمان پس از بازداشت نیروهای حافظ صلح مطرح است، پس دلیلی بر اثبات عنصر روانی از ابتدای گروگانگیری وجود ندارد. به نظر این شعبه، دادستان نتوانسته وجود عنصر روانی لازم جهت انتساب مسئولیت کیفری فردی به متهمان را از ابتدا اثبات کند، بنابراین، دلیل دادستانی مردود است. ر.ک:

Ibid., Paras. 38-44.

93. *Ibid.*, , pp.14-15, Paras.70-75.

94. Armed Forced Revolutionary Council(AFRC).

95. See: *Prosecutor v. Sessay et al, and Brima et al*, Decisions on Prosecution Requests for Leave to Amend the AFRC/RUF Indictments and Dissenting Opinions of Judge Bankole Thompson, President Judge of the Trial Chamber, SCSL-2004-15PT and SCSL-2004-16T,6 May 2004.

96. See: *Prosecutor v. Alex Tamba Brima, Ibrahim Bazy Kamara and Santigie Borbor Kanu*, Trial Chamber Summary of Judgment, (Case No. SCSL-2004-16) 20 June 2007, pp.5-6, Paras 21-29, available at:<http://www.scs-l.org /documents/ AFRC / SCSL-04-16-T-628-A.pdf>.

97. See *Ibid.*, , P.6-7, Paras.1-29, 23-29;

❖ ۱۴۹ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

قبلی که شورشیان را به ارتکاب اعمال مجرمانه مشترک و مسئولیت مشارکتی محکوم کرده بود، به دلیل آن که دادستان نتوانست ارتکاب جنایات مشارکتی توسط این متهمان را اثبات کند، از این اتهام تبرئه شدند. در خصوص جنایت ازدواج اجباری، متهمان انتساب این اتهام را ناقض اصول قانونی بودن جرم و مجازات خوانده، اظهار داشتند که پذیرش این جنایت جدید از سوی دادگاه مستلزم آن است که دادستان بار دیگر تحقیقات خود را از سرگیرد که خود موجب اطاله دادرسی خواهد شد. شعبه دوم بدوی نیز اعلام کرد که: «دادستان قبلاً هنگام رسیدگی به جنایات جنسی، تحقیقات لازم را در خصوص این جنایت انجام داده و دیگر نیازی به بررسی مجدد ادله نیست، مضافاً این که، وی پیش از شروع محاکمات به استناد مدارک قانونی به دست آمده در تحقیقات و بازپرسی‌ها، خواهان ضمیمه شدن این جنایت در کیفرخواست و محاکمه متهمان به ارتکاب این جنایت شده است. در نتیجه، استدلال متهمان در مورد اطاله دادرسی و نقض حقوق آن‌ها به موجب شق «الف» بند ۴ ماده ۱۷ مردود است. وانگهی رسیدگی به این اتهام یک اقدام جدید در دادرسی‌های بین‌المللی به شمار خواهد آمد. از این رو شعبه اول بدوی با تأیید کیفرخواست اصلاحی، جنایت مزبور را به‌عنوان بخشی از جنایت علیه بشریت مورد پذیرش قرار داده است».^{۹۸} با این حال، شعبه دوم بدوی رسیدگی کننده به اتهامات برخلاف نظر دادستانی و شعبه اول بدوی مبنی بر جرم تلقی کردن این جنایت ذیل اعمال غیرانسانی دیگر، در رأی خود ضمن مجرم شناختن متهمان به ارتکاب سایر جنایات جنسی، این جنایت را ذیل بردگی جنسی قرار داد.^{۹۹} سرانجام شعبه مزبور پس از بررسی ادله، بریما و کامارا را به تحمل ۵۰ سال حبس و کانو را به ۴۵ سال حبس محکوم کرد.^{۱۰۰}

دادستان و هر سه متهم از ۱۲ تا ۱۴ نوامبر همان سال تقاضای تجدیدنظرخواهی از آرای بدوی را به شعبه تجدیدنظر ارائه کردند. دلایل مهم دادستان برای تجدیدنظرخواهی، مسئولیت اعمال مجرمانه مشارکتی

به‌موجب حکم شعبه بدوی متهمان به چهار فقره جنایت علیه بشریت از جمله قتل عمدی (مورد ۴)، نابودسازی (مورد ۳)، به بردگی گرفتن (مورد ۱۳) و هتک ناموس (مورد ۶) و اعمال غیرانسانی دیگر (مورد ۱۱) و علاوه بر این طبق ماده ۳ اساسنامه به دلیل تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم به تعرض نسبت به جان، سلامتی و آسایش جسمی یا روانی اشخاص مخصوصاً قتل عمدی و نیز رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه، ایراد نقص به اعضای بدن یا هرگونه مجازات جسمی (مورد ۱۰)، مجازات‌های دسته‌جمعی (مورد ۲)، گروگانگیری (مورد ۱۸)، ارباب (مورد ۱)، هتک کرامت شخصی، بخصوص رفتار موهن یا تحقیرآمیز، هتک ناموس به عنف، به فحشا واداشتن و هرگونه تجاوز منافی عفت (مورد ۹)، غارت اموال (مورد ۱۴) و همچنین طبق بند «ج» ماده ۴ اساسنامه به علت ارتکاب جنایات جنگی یعنی به خدمت گرفتن کودکان زیر پانزده سال در نبردها و گروه‌های نظامی یا به کارگرفتن آن‌ها به منظور مشارکت فعالانه در مخاصمات، محکوم شدند. در این بین بریما و کامارا به اتهام ارتکاب اعمال غیرانسانی به‌عنوان جنایت علیه بشریت (مورد ۱۱) مجرم شناخته شدند، اما کانو از این اتهام مبرا می‌شود. افزودن بر این، شعبه مزبور هر سه متهم را از مورد اتهامی ۷ یعنی بردگی جنسی و هر شکل دیگر از خشونت جنسی و مورد اتهامی ۸ (اعمال غیرانسانی دیگر، از جمله خشونت جنسی) مبرا اعلام کرد.

98. See: para. 48 of Decision.

99. See <http://www.sc-sl.org/documents/AFRC/SCSL-04-16-T-624.pdf>.

100. *Ibid.*

و جنایت ازدواج اجباری و جنایت به بردگی گرفتن بود. در مورد اول، دادستان با به چالش کشیدن مسئولیت ناشی از اعمال مجرمانه مشترک ادعا کرد که شعبه بدوی با توجه به کیفرخواست و طرح مسئولیت مشترک علیه متهمان به عنوان شکلی از مسئولیت، دچار اشتباه قانونی شده است و به بهانه نقص در کیفرخواست، این نوع مسئولیت را رد کرد. وی اظهار داشت که اگر مسئولیت مشترک به طرز نادرستی در کیفرخواست، مطرح شده باشد، این نقیصه در جریان دادرسی برطرف می‌شود. شعبه تجدیدنظر نیز با تأیید ادعای دادستان ابراز کرد که متهمان برای رسیدن به قدرت و کنترل سیاسی کشور، مشترکاً با شورشیان مرتکب جنایات شده‌اند و دادستان نیز به طور مبسوط در کیفرخواست، به شرح اعمال جنایتکارانه آن‌ها پرداخته است، اما نتوانسته مبنا و اشکال گسترده این نوع از مسئولیت و همچنین مدت زمان وقوع اعمال مجرمانه مشترک را به طور کامل مطرح کند. پس تشخیص این امر با توجه به ادله‌ای که دادستان ذیل کیفرخواست در مورد مصادیق جنایات مشترک ارائه کرده، به عهده دادگاه است. با وجود این، طبق کیفرخواست، این اقدامات بین ۲۵ می ۱۹۹۷ (یعنی تاریخ کودتا) تا ژانویه ۲۰۰۰ رخ داده‌اند و بهتر بود که دادستان مبنا و اشکال مسئولیت مشارکتی و مصادیق این جنایات را نیز در کیفرخواست مشخص می‌کرد.^{۱۰۱}

دلیل دیگر دادستان، ازدواج اجباری است که طبق کیفرخواست ذیل بند «ط» ماده ۲ اساسنامه قرار می‌گیرد. وی مدعی شد که شعبه دوم بدوی سهواً با رد مورد ۸ اتهامی یعنی اعمال غیرانسانی دیگر مندرج در بند «ط»، موجب حذف جنایت ازدواج اجباری شده است. این شعبه در حکم خود اعلام کرد که اعمال غیرانسانی دیگر، منحصر به اعمالی است که دارای ماهیت خشونت‌آمیز جنسی نیستند. افزون بر این، ادله ارائه شده توسط دادستان حاکی از تشکیل عناصر غیرجنسی جنایت ازدواج اجباری نبوده، مستقل از جنایت بردگی جنسی نیست و در نتیجه، این جنایت کاملاً در زمره جنایت بردگی جنسی قرار می‌گیرد. دادستان نیز در تجدیدنظرخواهی گفت که ماهیت و عناصر این جنایت، مستقل از بردگی جنسی است، زیرا ازدواج اجباری در بردارنده یک پیوند زناشویی اجباری و بدون توافق است که صرفاً رابطه جنسی را شامل نمی‌شود و قربانی را از طریق تهدید، زور و یا دستور مجبور به هر نوع همکاری با مجرم می‌سازد. از این رو، لطمات شدید جسمی و روحی به قربانی وارد می‌شود که به وخامت سایر جنایات علیه بشریت از قبیل به اسارت گرفتن و سایر اشکال خشونت جنسی است. شعبه تجدیدنظر با تأیید نظر دادستانی اظهار داشت که این جنایت دارای مفهومی گسترده‌تر از بردگی جنسی است. به علاوه، مصادیق گسترده جرائم جنسی در ماده ۲ مانع از تسری اعمال غیرانسانی دیگر به جرائم جنسی نمی‌شود. ضمناً با تفسیر بند «ط» ماده ۲ نسبت به این جنایت جنسی استثنایی (ازدواج اجباری)، این جنایت ذیل بند «ط» ماده ۲ یعنی اعمال غیرانسانی دیگر قرار می‌گیرد

101. Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu, Appeal Chamber Summary of Judgment, (Case No.scs1-16-A.) 22 february 2008, pp.12-14. Appeal Chamber Judgment, available at <http://www.sc-sl.org /AFRC /SCSL-04- 16-A-672.I.pdf>. para .84.

و مرتکبین آن مجرم هستند. با این حال، این شعبه با وجود پذیرش این اتهام ذیل بند مذکور، از اعمال محکومیت مازاد بر ازدواج اجباری خودداری کرد.^{۱۰۲}

برای نیز در تجدیدنظرخواهی^{۱۰۳} خود دلایل متعددی را مطرح کرد از جمله این که حکم بدوی در مورد تسری مسئولیت کیفری فردی وی طبق بند ۱ ماده ۶ به خاطر ارتکاب قتل عمدی و نابودسازی در منطقه بومبالی و همچنین مسئولیت مافوق طبق بند ۳ ماده ۶ برای ارتکاب جنایات توسط مأموران وی در برخی مناطق سیرالئون، مردود است. وی مدعی عدم اطلاع از وقوع جنایات توسط آن‌ها شد و شعبه بدوی را متهم به عدم بررسی کافی ادله و مدارک موجود کرد. شعبه تجدیدنظر نیز با تدقیق در حکم شعبه مزبور تشخیص داد که این حکم با توجه به ادله کافی و مقتضیات قانونی و تحقیقات مبتنی بر واقعیت علیه متهم صادر شده و در نتیجه، تجدیدنظرخواه محکوم است.^{۱۰۴} کامارا نیز نسبت به حکم شعبه بدوی که با استناد به تحلیلش از عنصر روانی، وی را به اتهام کمک و تشویق به ارتکاب جنایات در شهر فری تاون و مناطق غربی کشور محکوم کرده بود، اعتراض کرد. شعبه تجدیدنظر نیز تحلیل شعبه بدوی را با توجه به مدارکی که حاکی از آگاهی متهم از وقوع جنایات بود، تأیید و اعلام کرد که مدارک حاکی از آن است که وی به‌عنوان معاون فرمانده گروه‌های نظامی شورای انقلابی، در زمان ارتکاب جنایات در آن مناطق حضور فعال داشته است و به موجب بند ۳ ماده ۶ دارای مسئولیت کیفری است. افزون بر این، کامارا مدعی شد که مسئولیت کیفری وی به‌عنوان مافوق به خاطر ارتکاب موارد اتهامی ۱ تا ۶ و ۹ توسط زیردستانش در منطقه بومبالی فاقد وجاهت قانونی است. به نظر کامارا شعبه بدوی در ارزیابی ادله از جمله شهود اشتباه کرده است، زیرا وی

102. *Ibid.*, pp. 22-25

افزودن بر این دادستان نسبت به حکم بدوی درخصوص جنایت به بردگی گرفتن اعتراض کرد. به نظر وی شعبه بدوی در بررسی ادله مربوط به جنایات ربودن کودکان سرباز (آدم ربایی)، کار اجباری و بردگی جنسی اشتباه کرده و آن‌ها را ذیل جنایت به بردگی گرفتن قرار داده و نهایتاً این جنایت را مبنای مسئولیت کیفری برای جنایت اعمال ارباب‌آمیز (مورد اتهامی ۱) قلمداد کرده است، درحالی که به موجب کیفرخواست این جنایات از هم مجزا هستند و هریک تعاریف و مصادیق خود را دارند. شعبه تجدیدنظر اظهار داشت که شعبه بدوی با این استنباط که برخی اعمال خشونت‌آمیز از جمله به بردگی گرفتن همانند مثله کردن و شکنجه، با هدف اشاعه ترس میان شهروندان ارتکاب یافته‌اند، این جنایت را در زمره اعمال ارباب‌آمیز محسوب کرده است. از این رو تلاش دادستان برای افزودن این جنایات به‌ویژه جنایت به بردگی گرفتن به فهرست اتهامات، عملی غیرضروری است.

۳۱. مهم‌ترین دلیل متهم از تجدیدنظرخواهی، بی‌توجهی شعبه بدوی به اعتبار دسته‌ای از ادله و شهود است. کامارا نیز نسبت به اعتبار برخی شهود اعتراض و ادعا کرد که یکی از شهود، در ارتکاب جرمی که وی محکوم شده است، شریک جرم است. به عقیده متهم شعبه بدوی بدون بررسی اعتبار شهود و ارائه توضیح مستدل، تنها براساس ادله اخذ شده از شهود تصمیم‌گیری کرده است. شعبه تجدید نظر پس از بررسی ادله مذکور اعلام کرد که شعبه بدوی درخصوص مجرم بودن شهود مرحله تحقیقات و رسیدگی اشتباه کرده و باید در این مورد دقت بیشتری می‌کرد، چراکه در انگیزه شهادت دادن آن‌ها تأثیر دارد. فارغ از این نکته، دادگاه تنها بر مبنای یک فقره شهادت تصمیم‌گیری نکرده و تمام ادله موجود را مدنظر قرار داده بود. افزون بر این بررسی‌های لازم نیز در مورد اعتبار گواهی شهود انجام شده بود.

Ibid., pp. 17-18.

104. *Ibid.*, pp. 26-27.

نه تنها دستور به ارتکاب جنایات در بومبالی را صادر نکرده، بلکه در ارتکاب آن‌ها شرکت هم نداشته است. ضمناً دارای کنترل مؤثر بر زیردستانش نبوده و ادله شعبه بدوی معتبر نیست. با این حال، شعبه تجدیدنظر به دلیل ناکافی خواندن دلایل ارائه شده، درخواست وی را رد کرد.^{۱۰۵}

کانو نیز در اولین مورد تجدیدنظرخواهی خود با اشاره به مفاد ماده ۱ اساسنامه و دلیل درج عبارت افرادی که بیشترین مسئولیت را در ارتکاب جنایات داشتند، ادعا کرد که شعبه بدوی در ارزیابی مسئولیت وی به عنوان متهم اصلی اشتباه کرده است، چرا که وی دارای چنین نقشی در طی مخاصمات نبوده و از این رو دادگاه را فاقد صلاحیت رسیدگی به اتهامات خود می‌دانست. از سوی دیگر، او ضمن ایراد وارد کردن به اقدام دادستانی در تعیین مسئولیت، اظهار داشت که تعیین این‌که آیا وی دارای بیشترین مسئولیت است، باید در مرحله تحقیقات مقدماتی یا توسط شعبه رسیدگی کننده صورت پذیرد و دادستانی حق تعیین مسئولیت را ندارد. در نتیجه به دلیل عدم تحقق این شرط، تمام محکومیت‌ها علیه وی مردود است. شعبه تجدیدنظر ضمن تأیید عملکرد دادستانی و ارجاع به مواد ۱، ۱۱ و ۱۵ یادآور شد که هر کدام از نهادهای دادگاه دارای وظایف و عملکرد خاص خود هستند. دادستان نیز به استناد ماده ۱۵ پس از انجام تحقیقات به تعیین مسئولیت اشخاصی که دارای بیشترین مسئولیت هستند، می‌پردازد و شعب بدوی و تجدیدنظر نیز پس از بررسی ادله و مدارک ارائه شده و حین رسیدگی به اتهامات مندرج در کیفرخواست، در تعیین مسئول بودن یا نبودن متهمان اعمال نظر می‌کنند. در نتیجه، تفسیر کانو از ماده ۱ تلاشی نا فرجام جهت اجتناب از مسئولیت جنایاتی است که وی به موجب آن مجرم شناخته شده است.^{۱۰۶} کانو در مورد جنایت سربازگیری

105. *Ibid.*, pp. 21-22, 29-31.:

دادستان نسبت به تبرئه کامارا از ارتکاب جنایت علیه بشریت در بندر لوکو اعتراض کرد و مدعی شد که فقط حکم مسئولیت کیفری وی طبق بند ۱ و ۲ ماده ۶ در سایر مناطق کشور صادر شده است. به نظر وی، اشتباه شعبه بدوی ناشی از این است که دادستانی ادله کافی برای محکومیت وی جهت مباشرت، صدور فرمان، برنامه‌ریزی یا فراهم ساختن مقدمات ارتکاب جنایات در بندر لوکو را ارائه نکرده و از این رو متهم تبرئه شده است. شعبه تجدیدنظر ضمن رد این ادعا اعلام کرد که شعبه بدوی با بررسی دقیق ادله و احوال، نوع و میزان مسئولیت متهم را نسبت به تمامی اتهامات تعیین کرده و وی را در این مورد میرا شناخته است. در خاتمه کامارا از اتهام برنامه‌ریزی برای ارتکاب جنایات موارد اتهامی ۹، ۱۲ و ۱۳ در برخی مناطق سیرالئون تبرئه شد.

106. *Ibid.*, pp.31-34, 35-36.:

و برای مطالعه بیشتر در خصوص رأی شعبه بدوی ر.ک:

Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu, SCSL-04-16-T, Judgment, 20 June 2007 (here in after "P v. Brima, Kamara and Kanu, Judgment), para.729, available at <http://www.sc-sl.org/documents/AFRC/SCSL-04-16-T-147.pdf>.

علاوه بر این، کانو با اعتراض به انتساب مسئولیت کیفری در حکم بدوی، ادعا کرد که شعبه بدوی یک رویکرد غیرحقوقی در تعیین کنترل مؤثر وی بر گروه‌های نظامی شورای انقلابی نظامی اتخاذ کرده است: اول این‌که آیا رهبری شورای انقلابی بر این گروه‌ها دارای کنترل مؤثر جمعی است و دوم آن‌که آیا وی منفرداً بر این گروه‌ها کنترل مؤثر داشته است. به نظر متهم با اتخاذ این شیوه از سوی دادگاه، مسئولیت مافوق در صورت اثبات مسئولیت جمعی خود به خود به وی منتسب می‌شود. شعبه تجدیدنظر متذکر شد که وجود رابطه مافوق و مادون برای

۱۵۳ ❖ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

کودکان زیر پانزده سال در مخاصمات هم مدعی شد که وی از جرم بودن این عمل اطلاعی نداشته و به همین سبب آن را قانونی تلقی کرده بوده و بنابراین در زمان ارتکاب این جنایت، قصد مجرمانه نداشته است؛ مضافاً این که این عمل در زمان مورد ادعا در کیفرخواست جنایت محسوب نمی‌شد. شعبه تجدیدنظر با تأیید حکم بدوی متذکر شد که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی این عمل جنایت جنگی محسوب می‌شود و جهل به قانون رافع مسئولیت نیست و مرتکبین آن قابل پیگرد هستند.^{۱۰۷} در پایان شعبه تجدیدنظر در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۸، طبق ماده ۱۰۲ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی دادگاه ویژه، رأی به لازم‌الاجرا شدن احکام شعبه بدوی می‌دهد.^{۱۰۸}

۶. محاکمه نیروهای دفاع غیرنظامی^{۱۰۹}

دادستان دادگاه ویژه در تاریخ ۷ و ۲۶ مارس ۲۰۰۳ علیه رهبران نیروهای دفاع غیرنظامی از جمله ساموئل هینگانورمن^{۱۱۰} که در طی جنگ وزیر کشور سیرالئون بود کیفرخواستی با ۸ مورد اتهام و برای دو متهم دیگر (مومینا فوفانا و آلیوکوندوا) کیفرخواستی با ۷ مورد اتهام صادر کرد.^{۱۱۱} سرانجام شعبه اول بدوی، در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ رسیدگی‌های خود را آغاز کرد. دادستان نیز تا ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۵ تحقیقات خود را به پایان رساند.^{۱۱۲}

تعیین مسئولیت مافوق در درجه اول قرار دارد و ارزیابی کانو از تصمیم شعبه بدوی اشتباه است، زیرا شعبه بدوی به‌درستی چگونگی ساختار و سازماندهی این گروه را برای تعیین اعمال کنترل مؤثر، بررسی کرده و در نتیجه ادعای متهم فاقد اعتبار است.

107. *The Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu*, Appeal Chamber Summary of Judgment, (Case No. scsl-16-A.) 22 February 2008, p.36.

108. *Ibid.*, pp. 40-41, <http://www.sc-sl.org/documents/AFRC/SCSL.04-16-A-675.1.pdf>, Paras. 175-203.

109. Civilian Defence Forces.

110. Gillian Wigglesworth, *op.cit.*, p.823.:

در جریان رسیدگی به مدارک و دلایل ارائه شده توسط دادستان و استماع دفاعیات متهمان، ساموئل هینگانورمن که تحت درمان پزشکی بود در ۲۲ فوریه ۲۰۰۷ فوت می‌کند و در نتیجه عملاً محاکمه وی منتفی می‌شود.

111. *Prosecutor v. Samuel Hinga Norman* Indictment on 3 March 2003., See:<http://www.sc-sl.org/documents/SCSL-04-14-001.htm>., Moinina Fofana and Allieu Kondewa, 26 March 2003, <http://www.sc-sl.org/documents/SCSL-04-14-I-001.htm>..:

موارد اتهامی به قرار زیر بوده است:

- ۱) جنایت علیه بشریت طبق ماده ۲ اساسنامه: بند ۱) قتل عمد، ۳) اعمال غیرانسانی دیگر؛
- ۲) جنایت جنگی طبق ماده ۳ اساسنامه: بند ۲) تعرض به جان، سلامتی و آسایش جسمی یا روانی اشخاص مخصوصاً قتل عمد، ۴) تعرض به جان، سلامتی و آسایش جسمی یا روانی اشخاص مخصوصاً رفتارهای بی‌رحمانه از قبیل شکنجه و ایراد نقص به اعضای بدن یا هرگونه مجازات جسمی، ۵) غارت اموال، ۶) ارباب، ۷) مجازات‌های دسته‌جمعی؛
- ۳) نقض‌های عمده حقوق بشردوستانه طبق ماده ۴ اساسنامه: بند ۸) سربرازگیری از کودکان زیر پانزده سال در نیروها یا گروه‌های نظامی یا به کارگرفتن آن‌ها به منظور مشارکت فعالانه در مخاصمات است.

112. See: <http://www.sc-sl.org/documents/CDF/SCSL-04-14-T, Decision, 14 July 2005>.

شعبه بدوی به استناد بند ۱ و ۳ ماده ۶ اساسنامه با احراز مسئولیت کیفری دو متهم آخر به دلیل مباشرت، طراحی و صدور دستور و نیز امر بودن نسبت به ارتکاب جنایات علیه بشریت طبق ماده ۲ اساسنامه و جنایات جنگی مندرج در ماده ۴ اساسنامه و نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه طبق ماده ۳ اساسنامه، رأی به محکومیت آنان داد. شعبه مزبور در رأی خود اعلام داشت که متهمان به استناد کیفرخواست به خاطر جنایت علیه بشریت به ارتکاب قتل عمد، اعمال غیرانسانی و ارتکاب جنایات جنگی از جمله تعرض نسبت به جان، سلامتی و آسایش جسمی یا روانی اشخاص مخصوصاً قتل عمد و نیز رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه، ایراد نقض به اعضای بدن یا هرگونه مجازات جسمی و ایجاد ارباب، غارت اموال و اعمال مجازات‌های دسته‌جمعی مجرم شناخته شده‌اند. به‌علاوه، دادگاه کوندو/را به اتهام نقض فاحش حقوق بشردوستانه برای به خدمت گرفتن کودکان زیر پانزده سال در گروه‌های نظامی و مخاصمات نیز مجرم شناخت؛^{۱۱۳} اما آن‌ها را از ارتکاب جنایت ازدواج اجباری تبرئه کرد.^{۱۱۴} سرانجام شعبه بدوی فوفانا و کوندو/را به ترتیب به ۶ و ۸ سال

113. See: <http://www.sc-sl.org/documents/CDF/SCSL-04-14-T-785> A. pdf. *Prosecutor v. Fofana and Kondewa*, scsl-04-14-T, Judgment, 2 August 2007. (Hereinafter P v. Fofana and Kondewa, Judgment). *Prosecutor v. Norman, Fofana and Kondewa*, SCSL-04-14-PT-Decision on the Preliminary Defence Motion on the Lack of Personal Jurisdiction filed on behalf of Accused Fofana, 3 March 2004, para. 27. Decision on preliminary Motion based on Lack of Jurisdiction (Child Soldier), 31 May 2004. See: [http://www.sc-sl.org/CDF/SCSL-04-14-AR 72\(E\)-131-7383 and 7398.pdf](http://www.sc-sl.org/CDF/SCSL-04-14-AR%2072(E)-131-7383%20and%207398.pdf). A Summary is available online. Para. 1250.;

متهمان در لوائح خود اظهار کردند که سربازگیری از کودکان در سال ۱۹۹۶ جنایت محسوب نمی‌شد، زیرا تا آن زمان هنوز قاعده عرفی مبنی بر جرم بودن این عمل در حقوق بین‌الملل وجود نداشت. از این رو اقدام دادگاه نقض اصول قانونی بودن جرم و مجازات است. در مقابل، دادستان نیز به استناد شق «ه» از ماده ۷۲ آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا، کیفرخواست و لوائح متهمان را به شعبه تجدیدنظر ارسال کرد. شعبه مزبور پس از بررسی مدارک در تاریخ ۳۱ می ۲۰۰۴ ضمن رد ادعای متهمان اعلام کرد که به موجب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ شق ۳ بند ۲ ماده ۴ و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، سربازگیری کودکان پیش از سال ۱۹۹۶ به‌عنوان یک قاعده عرفی عام بین‌المللی جنایت تلقی می‌شد و سرانجام با امضای اساسنامه رم در ۱۹۹۸ به قاعده‌ای معاهده‌ای تبدیل شد. در نتیجه مطابق با ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، چه به لحاظ عرفی و چه به لحاظ معاهده‌ای از منابع اصلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در ضمن کشور سیرالئون نیز به عضویت تمامی این معاهدات درآمده بود. این شعبه پس از تأیید جرم بودن عمل، پرونده را برای صدور حکم به شعبه بدوی صادر کرد و تنها در ۲ اگوست ۲۰۰۷ طبق بند ۱ و ۳ ماده ۶ با احراز مسئولیت کیفری کوندو، وی را به خاطر ارتکاب این جنایت علاوه بر سایر اتهامات مجرم شناخت، اما فوفانا را از ارتکاب این جرم تبرئه کرد.

114. *Prosecutor v. Norman, Fofana and Kondewa*, Decision on the Prosecution's request for leave to amend the Indictment, (Trial Chamber) 20 May 2004.:

در مورد جنایت ازدواج اجباری این شعبه در ۲۰ می ۲۰۰۴ برخلاف شعبه اول بدوی و شعبه دوم بدوی رسیدگی‌کننده به پرونده نیروهای شورای انقلابی نیروهای نظامی، با گنجاندن این جنایت در کیفرخواست مخالفت و تنها جنایات هتک ناموس و بردگی جنسی را قابل پیگرد اعلام کرد و اظهار داشت که «اصلاح کیفرخواست نسبت به این دسته از متهمان با تأخیر صورت پذیرفته و در نتیجه پذیرش این جنایت خلاف اصل دادرسی منصفانه است و نهایتاً موجب تضعیف حقوق آن‌ها می‌شود. ضمناً در مورد محکومیت متهمان شورای انقلابی نیروهای نظامی باید به این نکته توجه داشت که شعبه بدوی مربوط پیش از صدور حکم خود، با اصلاح کیفرخواست آنان موافقت کرده بود و در نتیجه خللی به حق دادرسی عادلانه آن‌ها وارد نشد». در خاتمه متهمان تنها به ارتکاب سایر جنایات جنسی محکوم شدند.

۱۵۵ ❖ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

حبس محکوم کرد.^{۱۱۵} همزمان با بالا گرفتن اعتراضات و اختلافات سیاسی میان موافقان و مخالفان این احکام، دادستان خواستار تجدیدنظر در احکام صادره شد. شعبه تجدیدنظر پس از رسیدگی ابراز داشت که آن‌ها نه تنها بی‌گناه نیستند، بلکه میزان محکومیت‌ها در شعبه بدوی ناکافی بوده است. در نتیجه با تشدید مجازات متهمان در حکم خود فوفانا را به ۱۵ سال و کوندوا را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.^{۱۱۶} گذشته از این، با احراز ارتکاب برخی جنایات از جمله قتل و اعمال غیرانسانی به‌عنوان جنایات علیه بشریت در زمان حملات علیه غیرنظامیان و هدف‌های نظامی، آن‌ها را به اتهام ارتکاب این اعمال محکوم ساخت؛^{۱۱۷} هرچند که حکم محکومیت آن‌ها به اتهام اعمال مجازات دسته‌جمعی را رد کرد و همچنین کوندوا را از اتهام سربازگیری از کودکان مبری دانست.^{۱۱۸}

۷. محاکمه چارلز تیلور

یکی دیگر از متهمان اصلی دادگاه، چارلز فنکای تیلور رئیس جمهور سابق لیبریا است که با در اختیار گذاشتن قلمرو کشور خود و تأمین امکانات نظامی به حمایت از شورشیان پرداخت.^{۱۱۹} دادستان دادگاه در ۳ مارس ۲۰۰۳ اولین کیفرخواست خود را با ۱۷ مورد اتهام علیه وی صادر کرد.^{۱۲۰} در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ دادگاه ویژه با اصلاح کیفرخواست موارد اتهامی را به ۱۱ مورد تقلیل داد و شعبه بدوی نیز علی‌رغم اعتراض متهم

115. See: Prosecutor v. Fofana and Kondewa, SCSL-4-14-T, Sentencing Judgment, 9 October 2007, See: notably paras 91-94.; <http://www.sc-sl.org/documents/CDF/SCSL-04-14-T-796.pdf>; and Gillian Wigglesworth, *op.cit.*, p.823:

علت صدور احکام کوتاه‌مدت برای متهمان مذکور، اعتراضاتی بود که از سوی مردم سیرالئون نسبت به محاکمه آن‌ها در دادگاه ویژه صورت پذیرفت، چرا که به باور این ملت، نیروهای مزبور از جمعیت غیرنظامی در برابر شورشیان حمایت می‌کردند و دولت دموکراتیک احمدتجان کاباه را به قدرت بازگردانده بودند.

116. See: Press release of 28 May 2008, at [http://www.sc-sl.org/press release- 052 808. pdf](http://www.sc-sl.org/press%20release-052808.pdf). The Appeal Judgment is available at [http://www.sc-sl.org/documents/CDF/SCSL-04-14-A-829. pdf](http://www.sc-sl.org/documents/CDF/SCSL-04-14-A-829.pdf).

117. *Ibid.*

118. Press release of 28 May 2008, at [http://www.sc-sl.org/press release-052808.pdf](http://www.sc-sl.org/press%20release-052808.pdf). The Appeal Judgment is now available at www.sc-sl.org/document/CDF/SCSL-04-14-A-829.

119. Steven D. Roper, Lilian A. Barria, *op. cit.*, p.31.;

هدف وی از این مشارکت و همکاری با شورشیان، سرنگونی دولت سیرالئون و رسیدن به اهداف سیاسی خود در آفریقا بود.

120. The Original Charles Ghankay Taylor Indictment on 3 March 2003.; <http://www.sc-sl.org/documents/SCSL-03-01-001.html>.

دادستان دستور داد که کیفرخواست تا فرا رسیدن زمان مناسب برای دستگیری تیلور محرمانه بماند، اما سرانجام در ۴ ژوئن ۲۰۰۳ در خلال اولین سفر خارجی وی علنی شد. در ابتدا دولت‌ها حاضر به همکاری و استرداد تیلور به دادگاه نبودند، تا آن‌که پس از برکناری وی از قدرت، به دنبال فشارهای بین‌المللی از جمله تلاش‌های دولت آمریکا، در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ در لیبریا بازداشت گردید و به دادگاه ویژه تحویل داده شد.

در ۲۹ می ۲۰۰۷ کیفرخواست اصلاحی را تأیید کرد.^{۱۲۱} محاکمه تیلور برخلاف سایر متهمان به دلایل سیاسی در مقر دیوان بین‌المللی کیفری صورت گرفت.^{۱۲۲} طبق کیفرخواست، جنایاتی که نیروهای شورشی و شورای انقلابی نظامی به همراه نیروهای لیبرایی منفرداً یا مشترکاً از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ تحت ریاست و کنترل مستقیم وی مرتکب شده بودند، مسئولیت کیفری داشت.

تاکنون رسیدگی به اتهامات تیلور به پایان نرسیده و شعب بدوی و تجدیدنظر در حال رسیدگی به اتهامات و اعتراضات وی نسبت به کیفرخواست و مدارک ارائه شده علیه وی هستند. در این میان، طرح مسئولیت ناشی از اعمال مجرمانه مشارکتی که کانون توجه کیفرخواست اصلاحی است، اعتراض متهم را در پی داشته است. وکلای تیلور در ۲۶ می ۲۰۰۹ ضمن تجدیدنظرخواهی از حکم شعبه بدوی^{۱۲۳} مدعی شدند که کیفرخواست اصلاحی تعریف جامعی از هدف مشترک ارائه نکرده و شعبه بدوی نیز سهواً هدف مشترک

121. Prosecution's Second Amend Indictment, See: <http://www.sc-sl.org/documents/Taylor/SCSL-03-01-PT-263-pdf>, dated 29 May 2007.;

کیفرخواست تیلور دربردارنده جنایات مندرج در مواد ۲ تا ۴ اساسنامه یعنی جنایت علیه بشریت، نقض ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ (جنایات جنگی) و سایر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. اتهامات وی درخصوص جنایات علیه بشریت شامل قتل، تجاوز به عنف، بردگی جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی، اعمال غیرانسانی دیگر و به بردگی گرفتن است. اتهامات وی راجع به جنایات جنگی شامل: اعمال ارعاب‌آمیز (اقدامات تروریستی)، تعرض به حیات و سلامتی فیزیکی یا روانی اشخاص بخصوص قتل، هتک کرامت انسانی، تعرض به حیات و سلامت فیزیکی و روانی اشخاص، بخصوص رفتار بی‌رحمانه و غارت بوده است. همچنین اتهام نقض حقوق بشردوستانه به جهت سربازگیری کودکان زیر پانزده سال در گروه‌های مسلح و با استفاده از آن‌ها برای شرکت فعالانه در مخاصمات است.

۲۲۱. وی پیش از بازداشت در دفاع از خود ضمن غیرقانونی خواندن مبنای حقوقی دادگاه اظهارداشت که در زمان صدور کیفرخواست از مصونیت برخوردار بوده و دادگاه حق صدور کیفرخواست علیه وی را نداشته است. شعبه تجدیدنظر هم در حکم ۳۱ می ۲۰۰۴ با رد ادعاهای وی اعلام کرد که: «استقلال و برابری حاکمیتی دولت‌ها مانع از محاکمه رؤسای دولت‌ها که مرتکب جنایات بین‌المللی شده‌اند در محاکم بین‌المللی نمی‌شود. افزون بر این با توجه به اسناد تأسیس، دادگاه ویژه سیرالئون یک دادگاه ملی نیست که صلاحیت قضایی ملی را اعمال کند، بلکه یک دادگاه بین‌المللی کیفری است و با مبنای بین‌المللی خود به محاکمه مقامات دولتی متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی می‌پردازد. افزون بر این، وی دیگر رئیس دولت نیست و مصونیت شخصی ندارد. بنابراین، محاکمه تیلور فارغ از جنبه ملی مربوط به مصونیت‌های رسمی، در تعارض با هنجارهای بین‌المللی نیست».

See: *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, Case No. SCSL-2003-01-I-Decision on Immunity from Jurisdiction*, 31 May 2004., and <http://www.sc-sl.org/documents/Taylor/appeal chamber/SCSL-03-01-I-059-pdf>., paras.50-52, 59., and Geert-Jan Alexander Knoop, *op.cit.*, p. 97. and Yves Beigbeder, *op.cit.*, p. 125.

در ضمن به دلیل نگرانی‌های جامعه بین‌المللی و دولت سیرالئون از نفوذ طرفداران تیلور در این کشور و احتمال به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی، به موجب قطعنامه ۱۶۸۸ شورای امنیت مورخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶، جلسات محاکمه وی در مقر دیوان بین‌المللی کیفری واقع در شهر لاهه هلند برگزار می‌شود.

123. *Prosecutor v. Taylor, Case No. SCSL.2003-1-T, Appeals Chamber Decision on Defence Notice of Appeal and Submissions Regarding the Majority Decision Concerning the Pleading of JCE in The Second Amended Indictment*, <http://www.sc-sl.org/documents/Taylor/Appeal Chamber/SCSL2003-1-T,1 May 2009>.

❖ ۱۵۷ دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند ...

را از پاراگراف ۵ که به تشریح اعمال ارباب‌آمیز پرداخته و پاراگراف ۳۳^{۱۳۴} که شامل یک ادعای ضمنی از اعمال مجرمانه مشترک است، استنباط کرده است. در ضمن همه عناصر این اعمال در کیفرخواست ذکر نشده و جین رسیدگی نادیده گرفته شده‌اند، مضافاً این که کیفرخواست مشخص نکرده که اهداف متهم از ارتکاب اعمال مجرمانه مشارکتی چیست و از چه شیوه‌هایی برای رسیدن به این اهداف بهره برده است. علاوه بر این، متهم تا پیش از صدور کیفرخواست اصلاحی از این عنوان مجرمانه جدید اطلاعی نداشته و بنابراین این مسأله بر حق دادرسی عادلانه وی در دفاع از خود تأثیر گذاشته است. در خاتمه نیز اظهار داشتند که قضاوت بدوی با قصد متهم کردن تیلور، کیفرخواست اصلاحی را تأیید کرده و در این راستا پاراگراف ۳۴ را که به طور مغرضانه اتهام مشارکت در نقش مافوق را توضیح داده، مورد توجه قرار داده‌اند؛^{۱۳۵} در حالی که پیش از این بند ۳۳ مسئولیت مشارکتی متهم را بند ۱ ماده ۶ فرض کرده بود و دیگر اتهام مسئولیت مشارکتی طبق پاراگراف ۳۴ یعنی بند ۳ ماده ۶ بی‌مورد است.^{۱۳۶}

دادستان ضمن دفاع از حکم بدوی اظهار داشت که بند ۵ و ۳۳ به هدف و ماهیت اعمال مجرمانه مشارکتی اشاره دارند و لذا شیوه‌ها و شرایط لازم برای انتساب اعمال مشارکتی، وجود یک برنامه و هدف مشترک به منظور ارتکاب یکی از جنایات مقرر در اساسنامه است که تیلور نیز در آن مشارکت داشته و در پایان به یک نتیجه قابل پیش‌بینی (ارتکاب جنایات) ختم شده است.^{۱۳۷} وی در مورد نادیده انگاشتن عناصر این اعمال ابراز داشت که طبق بند ۵، رسیدن به هدف مشترک شامل اعمال ارباب‌آمیز هم می‌شود و لذا نیازی نبود که قضاوت بدوی در مورد چگونگی تحقق این هدف توضیحی ارائه دهند. در این مورد متهم با شرکت در یک هدف مشترک (اعمال ارباب‌آمیز)، از طریق ارتکاب جنایات احصا شده در کیفرخواست و با هدف بهره‌برداری از این هدف مشترک، مرتکب اعمال مجرمانه مشارکتی شده که از جمله آن‌ها غارت اموال (الماس‌های سیرالئون) و کنترل بر سرزمین و مردم سیرالئون است. در ارتباط با بند ۳۴ هم که مربوط به ماهیت مشارکت متهم در جنایات است، متذکر شد که تیلور در جایگاه مافوق به‌خاطر قصور در ممانعت از ارتکاب جنایات توسط زیردستان و مجازات نکردن نیروهای خاطی، شریک جرم محسوب و در نتیجه،

۲۴۱. بند ۳۳ بیان می‌کند که متهم از طریق برنامه‌ریزی، طراحی، تهیه مقدمات، تحریک، کمک، تشویق و صدور دستور به ارتکاب جنایت احصایی در مواد ۲ تا ۴ اساسنامه در قالب مشارکت در اجرای اعمال جنایی برای رسیدن به یک هدف مشترک، شرکت داشته است. بنابراین، طبق بند ۱ ماده ۶ علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، دارای مسئولیت مشارکتی نیز خواهد بود.

۲۵۱. بند ۳۴ برطبق بند ۳ ماده ۶ اساسنامه متهم را به خاطر این که فرماندهی و کنترل نیروهای زیردست مذکور را برعهده داشته، ولی به‌عنوان مافوق از ارتکاب جنایات توسط آن‌ها ممانعتی به عمل نیاورده یا از تنبیه نیروهای خاطی استنکاف کرده، شریک در جنایات آن‌ها می‌داند.

126. *P v. Taylor*, Appeal Chamber /SCSL2003-1-T Second Amended Indictment, (1 May 2009), paras. 2-7.

۷۱۲. شیوه‌ها و شرایط لازم که هر هدف مشترکی از طریق آن محقق می‌شود، شامل مباشرت، برنامه‌ریزی، طراحی، کمک، و فراهم ساختن مقدمات ارتکاب جنایات در قالب مشارکت چند شخص است.

برطبق بند ۱ و ۳ ماده ۶ به تمام اشکال مسئولیت به‌ویژه مسئولیت مشارکتی متهم می‌شود.^{۱۲۸}

شعبه تجدیدنظر اظهار داشت که پاراگراف ۵ به‌درستی به هدف مشترک در قالب اعمال ارباب‌آمیز اشاره کرده و بیان‌کننده این است که نیروهای مذکور به‌طور دسته‌جمعی، به فرمان تحت کنترل تیلور با هدف ایجاد ارباب، مرتکب جنایات مندرج در پاراگراف‌های ۶ تا ۳۱ کیفرخواست شده‌اند، و پاراگراف ۳۳ نیز با ذکر اعمال مجرمانه مشارکتی در قالب موارد اتهامی ۲ تا ۱۱ (جنایات احصایی مواد ۲ تا ۴ اساسنامه)، به‌طور صحیح از این جنایات به‌عنوان شیوه‌های ارتکاب اعمال ارباب‌آمیز علیه غیرنظامیان یاد کرده است. بدین ترتیب بند ۵ (اعمال ارباب‌آمیز) متمم جنایات مندرج در پاراگراف ۳۳ است و شعبه بدوی نیز در برداشت از این دو بند اشتباهی نکرده است.^{۱۲۹} شعبه تجدیدنظر، در مورد ادعای عدم اطلاع متهم از ماهیت و علت اعمال مجرمانه مشارکتی در کیفرخواست تأکید کرد: «تا زمانی که هدف مشترک و شیوه‌های رسیدن به آن به‌روشنی در کیفرخواست مطرح شده باشد، دیگر نیازی به طرح موردی و مجزای آن‌ها برای آگاهی یافتن متهم از اتهامات مربوط به اعمال مجرمانه مشارکتی نیست. از طرف دیگر شعبه بدوی قبلاً اظهارات دادستان و متهم را به‌دقت بررسی کرده و هیچ اماره یا نشانه‌ای که دال بر عدم توجه شعبه مزبور به آن‌ها باشد، وجود ندارد. در ضمن دادستان دلایل کافی ارائه کرده که حاکی از آگاهی تیلور از اتهام اعمال مجرمانه مشارکتی است. در نتیجه این ادعا مردود است». افزون بر این، شعبه مزبور در پاسخ به ادعای وکلا درخصوص مسئولیت مشارکتی مندرج در بند ۱ و ۳ ماده ۶ اعلام کرد که منبای مسئولیت چه بند ۱ باشد چه بند ۳ مانعی برای مسئول شناختن متهم به مشارکت در اعمال مجرمانه مشارکتی نیست، زیرا ادله کافی برای انتساب مسئولیت مشارکتی در قالب هریک از بندهای مزبور به‌طور مجزا در کیفرخواست وجود دارد. سرانجام شعبه تجدیدنظر ادعاهای وکلای تیلور مبنی بر غرض‌ورزی شعبه بدوی در انتساب اعمال مجرمانه مشارکتی را رد کرد و علاوه بر مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت کیفری مافوق، درج اتهام مسئولیت ناشی از اعمال مجرمانه مشارکتی را در کیفرخواست اصلاحی تأیید کرد.^{۱۳۰}

به‌طور کلی، بنا به آگاهی دادگاه از اهمیت محاکمه تیلور به این اتهام، چنین بر می‌آید که اثبات مسئولیت مجرمانه مشارکتی، اثر مهمی در تعیین محکومیت وی خواهد داشت؛ زیرا دخالت تیلور در جنایات برخلاف سایر متهمان غیرمستقیم بوده و نیروهای تحت فرمان وی که بیش‌تر از اعضای شورشی و شورای انقلابی و همچنین نیروهای لیبرایی بوده‌اند، مشترکاً به دستور، تشویق و کمک وی مرتکب جنایات شده‌اند.

128. *Ibid.*, paras. 7-12.

۲۹۱. شعبه تجدیدنظر توجه کرد که کیفرخواست، اعمال مجرمانه مشارکتی را نوعی از اشکال مسئولیت تلقی کرده و پاراگراف ۳۳ نیز تعبیر برنامه، طراحی و هدف مشترک را به جای اعمال مجرمانه مشترک به کار برده است که سابقاً در رویه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به جای هم استعمال می‌شدند.

130. See: *Ibid.*, paras. 17-28.

نتیجه گیری

دادگاه ویژه سیرالئون به کمک سازمان ملل متحد با هدف پایان دادن به بی‌کیفرمانی و بسط عدالت در کشور جنگ‌زده سیرالئون برپا شد. جنایات ارتكابی در جنگ ده ساله این کشور چنان بهت‌آور بود که سازمان ملل نتوانست تقاضای کمک دولت سیرالئون را برای متوقف ساختن جنگ و تأسیس دادگاهی برای محاکمه جنایتکاران نادیده انگارد. این دادگاه با تحت پیگرد قرار دادن متهمانی که عمدتاً مقامات بلندپایه سیاسی هستند، سعی در خاتمه دادن به بی‌کیفرماندن بزهکاران داشته است. با این حال رسیدگی به جنایات توسط این دادگاه از گزند اعتراضات متهمان به مبنا و صلاحیت‌های قضایی آن در امان نماند، اما علی‌رغم اعتراضات، خلل و وقفه‌ای در جریان دادرسی‌ها ایجاد نشد و لذا در آینده نزدیک، شاهد به پایان رسیدن دادرسی‌ها خواهیم بود. در مجموع، باید اذعان کرد دادگاه ویژه برای نیل به اهداف خود با موانع بسیاری مواجه شد که مهم‌ترین آن‌ها نبود پشتوانه حقوقی قطعنامه فصل هفتم شورای امنیت برای جلب همکاری طرف‌های ثالث با دادگاه بود. به همین خاطر در جریان استرداد تعدادی از متهمان، مانند چارلز تیلور، خیلی از دولت‌ها حاضر به همکاری با دادگاه نبودند تا آن‌که به‌ناچار با مداخله برخی دولت‌های غربی متهمان را مسترد کردند. علاوه بر این، دو ایراد مهم دیگر به مبنای صلاحیتی دادگاه قابل طرح است: اول آن‌که بنا به مصالحی از جمله کمبود بودجه و ممانعت از طولانی شدن دادرسی‌ها صلاحیت زمانی محدود گردید و عملاً پنج سال نخست جنگ نادیده انگاشته شد و دوم آن‌که، دامنه صلاحیت شخصی دادگاه به رهبران اصلی سیاسی نظامی طرف‌های درگیر محدود ماند. در نتیجه شاید بتوان گفت که این محدودیت‌ها، سبب تضییع حقوق قربانیان و بی‌کیفر ماندن مرتکبین اصلی جنایات در سال‌های نخست جنگ گردید و در عمل از محاکمه کسانی که در سطوح پایین‌تر فرماندهی، همانند رهبران خود مرتکب جنایات شده بودند، صرف‌نظر شد.

با این همه، به رغم تمام مشکلاتی که دادگاه ویژه با آن‌ها مواجه شد، بیش‌تر محاکمات به پایان رسیده و احکام قطعی صادر شده‌اند. موفقیت دادگاه در محاکمه عاملان اصلی جنایات به‌ویژه محاکمه مرتکبان جنایات ازدواج اجباری و سربازگیری از کودکان از ویژگی‌های استثنایی این دادگاه محسوب می‌شود که پیش‌تر سابقه نداشته است. محاکمات این دادگاه یک بار دیگر به جنایتکاران در سراسر جهان، به‌ویژه آنان که دارای مقامات رده بالای سیاسی و نظامی هستند، اثبات کرد که جامعه بین‌المللی در برابر اعمال جنایتکارانه آن‌ها ساکت نخواهد ماند و توسل به مصونیت کیفری نیز مانع به کیفر رسیدن آن‌ها نخواهد شد. دادگاه ویژه در عین رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل مسئولیت کیفری، طبق مواد ۲ تا ۵ اساسنامه، تجربه و نمونه موفق از یک دادگاه مختلط را به نمایش گذاشت و دستاوردهای آن به هیچ‌وجه کم‌تر از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیست. بدین سان، تأسیس این دادگاه و آرای تأثیرگذار و مهم آن، تکمیل‌کننده تلاش‌های چند دهه اخیر در عرصه مقابله با بی‌کیفرمانی بوده، به‌ویژه سهم زیادی را در تقویت

و تکامل حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه از آن خود کرده است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اردبیلی، محمد علی، *حقوق بین‌الملل کیفری*، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۶.
۲. بیگزاده، ابراهیم، «سازمان ملل متحد محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
۳. فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. کاسسه، آنتونیو، *حقوق بین‌الملل کیفری*، ترجمه پیران، حسین، اردشیر، امیرارجمند و زهرا، موسوی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۶.
۵. کیتی شیایزری، کریانگ ساک، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. میرمحمد صادقی، حسین، *دادگاه بین‌المللی کیفری*، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۳.
۷. احمدی، عباس، «نقش عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت از حقوق بشر»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۸. شایگان، فریده، «دادگاه ویژه سیرالئون»، *مرکز مطالعات عالی حقوق بین‌الملل*، بهار ۱۳۸۳.
۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، پاییز ۷۳ تا تابستان ۷۴.

ب) انگلیسی

1. Amnesty International Sierra Leone Recommendation on the Draft Statute of the Special Court, all index, AFR 57/038/2000/4 november 2000.
2. Beigbeder, Yves, *International Justice Against Impunity, Progress and New Challenges*, Martinus Nijhoff Publishers, the Netherlands, 2005.
3. Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, 2ed, Oxford University Press, Oxford, 2008.
4. Cerone, John P. "Dynamic Equilibrium: The Evolution of US Attitudes Toward International Criminal Courts and Tribunals", *EJIL*, vol.18, No.2, 2007.

5. Elagab, Omer Yousif, "The Special Court for Sierra Leone: Some Constraints", *International Journal of Human Rights*, vol.8, No.3, Autumn 2004.
6. Gray, Christine, *International Law and Use of Force*, Oxford University Press, Oxford, 2000.
7. Gbao (SCSL-04-15-AR72 (E)), Decision on the Invalidity of the Agreement Between the United Nations and the Gouvernement of Sierra Leone on the Establishment of the Special Court, 25 May 2004.
8. Headquarters Agreement, Between the Republic of Sierra Leone and the Special Court for Sierra Leone, 21 October 2003.
9. Johnson, Larry D., "UN-Based International Criminal Tribunals: How They Mixed and match", *Denver Journal of International Law and Policy*, Summer-Fall, 2008.
10. Knoops, Greet-Jan Alexander, *Theory and Practice of International Law and Internationalized Criminal Proceedings*, Kluwer Law International, the Netherlands, 2005.
11. Letter dated 9, August 2000 from Permanent Representative of Sierra Leone to United Nations, addressed to the President of the Security Council; UN Doc. S/2000/768, annex.
12. Letter from President of Security Council addressed to Secretary-General (31 January 2001) UN Doc S/2001/ 95). Available at: [www. un.org. security council.\(SCSL\)](http://www.un.org/securitycouncil/(SCSL)).
13. Lome Peace Agreement Between the Government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone (July7,1999), available at [http:// www.sierra-leone.org/lome accord.html](http://www.sierra-leone.org/lomeaccord.html).
14. Nduka-Agwa, Abdibeli, "Doing Gender, After the War: Dealing with Gender Main streaming and Sextual Exploitation and Abuse in UN Peace Support Oprations in Liberia and Sierra Leone", *Civil Wars*, vol.11, No.2,

June 2009.

15. Peace Agreement between the Government of the Republic of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone, Abidjan, 30, No.7.1996.

16. Paust, Jordan J. and Bassiouni, Cherif M., *International Criminal Law: Cases and Materials*, 3ed, Carolina Academic Press, Durham, North Carolina, 2007.

17. Press Release of 28 May 2008, at [http://www.sc-sl.org/press release-052808.pdf](http://www.sc-sl.org/press%20release-052808.pdf). The Appeal Judgment is now available at: [http:// www. sc- sl.org/document/CDF/SCSL-04-14-A-829](http://www.sc-sl.org/document/CDF/SCSL-04-14-A-829).

18. *Prosecutor v. Alex Tamba Brima*, Ibrahim Bazy Kamara and Santigie Borbor Kanu, Trial Chamber Summary of Judgment, (Case No. SCSL-2004-16) 20 June 2007, available at:[http://www.sc-sl.org/ documents/ AFRC/ SCSL-04-16-T-628-A.pdf](http://www.sc-sl.org/documents/AFRC/SCSL-04-16-T-628-A.pdf).

19. *Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu*, Appeal Chamber Summary of Judgment, (Case No.scsl-16-A.) 22 February 2008, Appeal Chamber Judgment, available at [http://www.sc-sl.org/AFR C/SCSL-04-16-A- 672.I. pdf](http://www.sc-sl.org/AFR C/SCSL-04-16-A- 672.I.pdf).

20. *Prosecutor v. Brima, Kamara and Kanu*, SCSL-04-16-T, Judgment, 20 June 2007 available at [http://www.sc-sl.org./documents/ AFRC/SCSL-04-16-T-147.pdf](http://www.sc-sl.org./documents/AFRC/SCSL-04-16-T-147.pdf).

21. *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, case No. SCSL-2003-01-I-Decision on Immunity from Jurisdiction, 31 May 2004., and [http://www.sc- sl.org/documents/Taylor /appeal chamber/SCSL-03-01-I-05 9- pdf](http://www.sc-sl.org/documents/Taylor/appeal%20chamber/SCSL-03-01-I-059.pdf).

22. *Prosecutor v. Fofana and Kondewa*, scsl-04-14-T, Judgment, 2 August 2007.

23. *Prosecutor v. Norman, Fofana and Kondewa*, SCSL-04-14-PT-Decision on the Preliminary Defence Motion on the Lack of Personal Jurisdiction filed on behalf of Accused Fofana, 3 March 2004.–Decisi on on Preliminary Motion

Based on Lack of Jurisdiction (Child Soldier), 31 May 2004.[http://www.sc-sl.org/CDF/SCSL-04-14-AR 72\(E\)-131-7383 and 7398. pdf](http://www.sc-sl.org/CDF/SCSL-04-14-AR 72(E)-131-7383 and 7398. pdf).

24. *Prosecutor v. Morris Kallon, Brima Bazzy and Kamara*, Special Court of Sierra Leone, SCSL-2004- 15-AR 72 (E) and SCSL-2004-16-AR 72 (E), Decision on Challenge to Jurisdiction: Lome Accord Amnesty, Appeals Chamber, 13 March 2004.

25. *Prosecutor v. Issa Hassan Sessay, Morris Kallon and Augustine Gbao (Case No. SCSL- 09-25-T)*, 25 February 2009.

26. *Prosecutor v. Issa Hssan Sesay, Morris Kallon and Augustine Gbao*, SCSL-04-15-A, /Summary of Judgment Appeal Chamber /26 October 2009.<http://www.sc-sl.org/htm>.

27. *Prosecutor v. Samuel Hinga Norman* Indictment on 3 March 2003., See:<http://www.sc-sl.org/documents /SCSL- 04-14-001.htm>., Moinina Fofana and Allieu Kondewa, 26 March 2003, <http:// www.sc-sl. org /documents /SCSL-04-14-I-001.htm>.

28. *Prosecutor v. Sesay et al, and Brima et al*, Decisions on Prosecution Requests for Leave to Amend the AFRC/RUF Indictments and Dissenting Opinions of Judge Bankole Thompson, President Judge of the Trial Chamber, SCSL-2004-15PT and SCSL-2004- 16T, 6 May 2004.

29. *Prosecutor v. Taylor*, Case No.SCSL.2003-1-T, Appeals Chamber Decision on Defence Notice of Appeal and Submissions Regarding the Majority Decision Concerning the Pleading of JCE in The Second Amended Indictment, <http://www.sc-sl.org /documents /Taylor /appeal chamber /SCSL2003-1-T,1 May 2009>.

30. Prosecution's Second Amended Indictment, See: <http://www.sc-sl.org./documents Taylor/SCSL-03-01-PT-263-pdf>, dated 29 May 2007.

31. Rath-Arriaza, Naomi, *Conclusion Combating Impunity: Impunity and Human Rights in International Law and Practice*, Oxford University Press, Oxford, 1995.

32. Ratner, Steven R., Abrams, Jason and Bischoff, James L., *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, Oxford University Press, 2009.
33. Report of the Secretary-General on the Establishment of Special Court for Sierra Leone (SCSL); UN Doc. S/2000/915, 4. Oct 2000, Annex Agreement between the United Nations and the Government of Sierra Leone on Establishment of SCSL, Statute of the SCSL.
34. Romano, Cesare P.R., Nollkaemper, Andre and K. Kleffner, Jann, *Internationalized Criminal Courts and Tribunals: Sierra Leone, EastTimor, Kosovo and Cambodia*, Oxford University Press, Oxford, 2004.
35. Roper, Steven D. and Barria, Lilian A., *Designing Criminal Tribunals: Sovereignty and International Concerns in the Protection of Human Rights*, Ashgate London, 2006.
36. Schabas, William A., *The UN International Criminal Tribunals: The Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, Cambridge University Press, Cambridge, 2006.
37. Schabas, William A., "The Relationship Between Truth Commission and International Courts: The Case of Sierra Leone", *Human Rights Quarterly*, vol.25, No.4, November 2003.
38. Smbeye, Yitiha, *Immunity and International Criminal Law*, Athenaem press Ltd., Gateshead, Published By Ashgate, London, 2004.
39. Taylor (SCSL-03-01-I), Decision on Immunity from Jurisdiction, 21 May 2004, available at <http://www.sc-sl.org>.
40. The Indictment of RUF and AFRC, 3 March 2003.; Amended Indictment of Issa Hassan Sesay, Morris Kallon and Augustine Gbao, 2 August 2006, at <http://www.sc-sl.org/documents/RUF/SCSL-04-15-T-619.pdf>.
41. The Original Charles Ghankay Taylor Indictment on 3 March 2003.; <http://www.sc-sl.org/documents/SCSL-03-01-001.html>.
42. The Rule 46 of the Rules of Procedure and Evidence of the Special Court

for Sierra Leone. See:[http://www.sc-sl.org/ documents/rule of procedure and evidence.pdf](http://www.sc-sl.org/documents/rule_of_procedure_and_evidence.pdf).

43. UN Doc.S/Res/1315 (2000), available at <http://www.un.org>.

44. Verdirama, G, "The Genocide Definition in the Jurisdiction of The Ad Hoc Tribunals", *International Comparative Law Quarterly*, vol.49, 2000.

45. Wigglesworth, Gillian, "The End of Impunity? Lessons From Sierra Leone", *International Affairs*, 84: 4, 2008.